

## اجتناب ناپذیری تشدید بحران اقتصادی

در این زمینه ارائه نداد بلکه تلاش  
اولی آن این بود که بر فراکت و رشکستگی  
رژیم سرپوش بگذارد و ضمن انتقاد دلبسته  
جناحهای از رژیم که بر اثر تضادهای  
اختلافات درونی جنبه‌های از حقیقت  
اوضاع فلاکت بار اقتصادی را بر سر  
در صفحه ۲

نخست وزیر جمهوری اسلامی در اوائل  
ماه جاری در یک گفتگوی رادیویی شرکت  
کرد تا برنامهای رژیم را برای مقابله با  
تشدید بحران اقتصادی که در پی سقوط  
نسبت نفت دریا زار جهانی و کاهش شدید  
درآمدهای ارزی رژیم پیش آمده است  
توضیح دهد. اما در واقع اوضاع برنامهای

## عملکرد سرمایه تجاری و فقر روز افزون توده‌ها

که عمدتاً مدافع منافع انکلی ترین بخش  
بورژوازی و اقطاعی است به آن میباشد.  
بعلاوه بحران اقتصادی، شکاف میان  
درآمد توده‌های اسیرها مبر در رسیدن  
عذره‌ای از افزایش سهم سرمایه توده‌ها را  
را عمیقتر میکند. سرمایه فقر و فلاکت  
روز افزون کارگران و زحمتکشان، و شرکتهای  
عظیمی در دست بخش سرمایه داران  
متمرکز میگردد. انبساط فقر  
روز افزون توده‌های مردم و در  
در صفحه ۲

یکی از نتایج هر نظام سرمایه‌داری  
و از جمله نظام سرمایه‌داری حاکم بر ایران  
تعمیق شکاف میان فقر و ثروت است. ستر  
ستر این مناسبات سیاستهای حاکمیت

## باز هم درباره ضرورت سازماندهی کارگران

بحران اقتصادی حاکم بر ایران  
که با کفایت هر روز عمیق و وسعت نویسی  
میباشد، اثرات مخرب و ویرانگر خود را  
پیش از همه طبقات و اقطاعی بر شرایط  
زندگی طبقه کارگر برجای گذاشته است.  
و خامت نسبی و مطلق و ضمیمه طبقه کارگر  
به حدی رسیده است که طی سالهای اخیر  
هرگز سابقه نداشته است. به نقطه مهم  
کارگران از درآمد ملی کاهش یافته و سر  
سهم سرمایه داران و سرمایه

در صفحه ۵

## اگر آجتهای دستچینی

و

## کمیته کارخانه

## دو تاکتیک

### در مقابله با اضرارهای دست جمعی کارگران

تعمیل پس در پی	میان سرمایه داران
کارخانه‌ها و موج اضرارهای	در دست سرمایه داران
سیاسی کارگران سرمایه	در دست سرمایه داران
یک سبک سرمایه جنبش	سیاسی علیه کارگران دارند
طبقه کارگران مواجهه	در سیاست به تعطیل
است، توجه نیروهای	کارخانه‌ها و اضرارهای
سیاسی را به خود معطوف	دست جمعی کارگران از خود
گردانده است. در این	حیثیت و واکنش نشان

در صفحه ۷

## سرمقاله



## تهاجم قبل از توفان

انگاز سیاست تعیین تکلیف قطعی  
جنگ از سوی رژیم جمهوری اسلامی، و نتایج  
و بی آمده‌های حاصل آن، به حلقه اصلی در  
تحولات آینده نزدیک تبدیل شده است. طی  
این ماه، فعالیتها و اقداماتی سیاست بگیره  
کردن کار جنگ و تعیین تکلیف قطعی جنگ  
آشکار شده است. تشدید مبارزاتهای هوشی  
از سوی رژیم ایران و عراق پس از انبوه  
گرفته شده‌های جبهه میهن با آشکار شدن  
سیاست تعیین تکلیف قطعی جنگ است.  
گشتار و ویرانی مصلحتی است که به تشدید  
ادامه مییابد، بلکه بر ایجاد آن نیز افزوده  
خواهد شد. رژیم جمهوری اسلامی با اتخاذ  
سیاست بگیره کردن کار جنگ در سال جاری  
نه تنها داده جنگ را گسترش خواهد داد و سر  
انبوه گشته‌ها و نابودی امکانات مساند  
جامعه خواهد افزود، بلکه با سلبتاریت  
در صفحه ۲

طبقه کارگران ایران، امروز با یک  
معضل عظیم اجتماعی درامدی سیار  
گسترده و وسیع و با جمعا تکثیر مزاجات و آن  
موج روبه گسترش و تشدید اضرارهای گروهی  
با دست جمعی و بیگاری دم افزون کارگران و  
خطر تهمیت آن زمینه‌های سیاسی و معنایی  
است که بر ستر آن شکل و زمانه سیاسی  
در صفحه ۶

## یادداشت‌های سیاسی

- ۱- تضادهای درونی جنبش کارخانه‌های ترمسود
  - ۲- اتکاء به خدا یا دلایلی می
  - ۳- سبک کار حکومتی دیکتاتوری نشان است
- در صفحه ۱۶

## همراه با ضمیمه خبری

برای برقراری صلحی دمکراتیک، جنگ ارتجاعی را به جنگ داخلی علیه رژیم تبدیل کنیم

تاجم قبل از طوفان

کردن تمامی مرصه‌های رسدگی اجساد عسکری، سیاست تمهین تکلیف قطعی جنگ را سه‌گانه‌کا تحولات قریب‌الوقوع مبدل مسازد، رژیم، خودپیش از هر زمان دیگری توده‌ها را بسط تمهین تکلیف با جنگ و حکومت فرا میخواند.

رژیم برای پیشبرد این سیاست جنگی عمدتاً بر اوج نیروی انسانی و گسترش جنگ در جبهه‌های زمینی متکی است. السلام پیشبرد این سیاست مبتنی است بر بحران حاد اقتصادی و ورشکستگی مالی و کمبود وسایل و ابزار آلات جنگی و ضعف نیروی هوایی. در مقابل رژیم عراق، عمدتاً با تکیه بر نیروی هوایی به جنگ ادامه میدهد. برآیند نتیجه این دو سیاست جنگی برای مردم ایران و عراق کشتار و زمین‌رفتن امکانات مادی جامعه است. در حقیقت سیاست تمهین تکلیف قطعی جنگ بر زمینه توازن موجود بین سیاست جنگ میروند که به تمهین تکلیف مایه شده‌ها و منابع مادی جامعه تبدیل شود. و همین خود، متفادهای اجتماعی را بر برتر بحران انقلابی حاکم بر جامعه نقطه انفجار نزدیک تر میسازد. هر چند این سیاست محدود از سوی رژیم خودتاشی از پیش بینی وضعیت انفجاری قریب‌الوقوع مسازد و مسازد بدون اعمال این سیاست نبردها به آنچنان درجهای از حدت خود رسیده‌است که جامعه آستان تحولات اساسی باشد. اما اعمال این سیاست آنچنان متفادهای اجتماعی را فشرده میسازد که فقط لحظه انفجار قریب‌الوقوع را بجلو میسازد، بلکه به آن حدت و شدت بیشتری میبخشد.

رژیم را نیز از کارها ندادند. از اینروست که رفسنجانی مطرح نمود تنها راه حل مناسب برای مقابله با فشارهای اقتصادی موجود که همه چیز را تهدید به نا بودی میکند، تمهین حرکت یگانه است که با در نظر گرفتن ورشکستگی مالی و قبل از آنکه طوفان اصلی از راه برسد، جنگ با پیروزی به اتمام رسد. تمهین جمهوری اسلامی در کسب حداقل چندین پیروزی بزرگ نظامی، در حقیقت تنها راهی است که اینک رژیم، تسد اوام همین حیات بی ثبات خود را در آن میبندد. چرا که تشدید بحران اقتصادی که به بحران انقلابی حاکم بر جامعه مرتضا دا می‌میرند، همچنان ایامی نزدیک میشود که دیگر سخن از مهیا کردن آن امری بیهوده‌است.

ساله، اما، فقط این نیست که سیاست فرار رسیدن ورشکستگی کامل اقتصادی، تا همین هزینه‌های جنگ نا میسر میشود. این فقط یک سوی قضیه‌است. مساله این نیز هست که سیاست فرار رسیدن آن ورشکستگی قریب‌الوقوع و اوج گیری جیش توده‌های، رژیم که از درون نیراز هم کسخت است، توانائی کنترل اوضاع را بکل از دست بدهد. هیأت حاکمه خوب میدانند که نمیتوانند جنگ داخلی بر علیه توده‌ها را به ابعالت گسترده و عمومی آن به پیش برد و هم جنگ ایران و عراق را.

پس رژیم، قبل از آنکه فشار اقتصادی بخراهد اثر خودش را بگذارد، اولاً، "جنگ را به اتمام" برساند و با حداقل قسبل پیروزیهای چشمگیری کس کند. و برای این منظور، اکنون، باید به سطح وسیع نیروی سپرد از توانائی امکانات جامعه را در خدمت جنگ قرار دهد. و تا نیا از طریق، کاتال جنگ در عین حال با مسلتنا بر به کردن جامعه و گسترش ارگانهای سرکوب، خود را برای سرکوب توده‌ها زمانی که فشار اقتصادی اثر خودش را میکند، بعضی زمانی که طوفان فرا میرسد، آماده‌نماید.

رفسنجانی در یکی از خطبه‌های مسازر جمعه تهران علت اصلی اتفاقا این استراتژی جدید جنگی و با بگره کردن کار جنگ را بیان داشت. مضمون سخنان رفسنجانی این بود: تاجم قبل از فرار رسیدن طوفان، بوی گفت: "ببیند الان ساستی که دشمنان شما دارند این است که به فشار اقتصادی که از مجرای کاتال قسبت نفت وارد میسازد، فشار روی جمهوری اسلامی مسازد و نتواند فروش را اداره بکند و راه حل مناسبی که ما تشخیص دادیم این است که ما هم بگونه‌ای حرکت بکنیم که قبل از آنکه فشار اقتصادی بخراهد اثر خودش را بگذارد ما جنگ را تمام بکنیم".

واقعیتی که رفسنجانی به آن اشاره میکند، هیچ چیز جدیدی در خود ندارد، اما اعتراف به این واقعیت آنهم پس از فتح منطقه مهران، فقط نشانگر نزدیکی آن زمانی است که ورشکستگی کامل، حتی همین ماسن جنگی

با یکاهای ساد در سبدهای مختلف بوسینه محسن رعاشی بخش مسدود، خامه‌های اعلام میکنند که بر اساس تصمیم شورای عالی پشتیبانی جنگ از این پس کلیه تصمیمات ستاد پشتیبانی جنگ استانیها برای کلیه ادارات لازم الاجرا است، بر اساس بخشنامه‌های که از سوی نخست وزیر صادر میشود کلیه وزارت خانه‌ها، موسسات و شرکت‌های دولتی موظف میشوند که رفسندان و کارکنان خود را با تشخیص و فرست فرمائنده‌ها، با مداران در اختیار سپاه قرار دهند، بیش از ۷۰ درصد از امکانات شهرداریها در خدمت جنگ قرار می‌گیرد.

حرکت در جهت مسلتنا بر به کردن جامعه شدت میگیرد، گشتیهای کوناگون بسراسر ای دستگیری متوسلین غایب و اعزام اجباری آنها به جبهه‌های جنگ تشکیل میشود، سپاه، کمیته شهریاری و ژاندارمری برای دستگیری متوسلین بسیج مسنودند. در حقیقت متوسل رژیم این است که چگونه جبهه‌ها را از نیروی انسانی ببر کند. مقاومت در برابر اعزام اجباری به جبهه‌ها شدت میگیرد و فشار رژیم مقاومت توده‌ها را تشدید میکند.

در حقیقت سیاست تمهین تکلیف قطعی جنگ بر زمینه توازن موجود بین سیاست جنگ به تمهین تکلیف قطعی با وضعیت موجود تبدیل میشود.

رژیم جمهوری اسلامی توانائی بسیج آن تعداد نیروی انسانی را برای پیشبرد سیاست اوج انسانی ندارد که بتواند به شکستن بن بست جنگ و پیروزی قطعی ناشل آید. و اساساً توازن قوای دو طرف و سیاست فدرنیهای امپریالیستی و سیر موضع کشورهای سوسیالیستی چنین زمینه‌ای را برای پیروز هموار نمیسازد. بن بست جنگ همچنان ادامه خواهد داشت و سیاست تمهین تکلیف قطعی جنگ فقط در جا رجوب بن بست جنگ برکشتار و ویرانی خواهد افزود.

اتحاد سیاست جدید جنگی رژیم، هر چند تمهین اندر بن بست جنگ غلبه نخواهد اما بدلیل شرایطی که اکنون بر جامعه حاکم است و از جمله بحران تشدید اقتصادی، بالا گرفتن اختلافات ماسن جناحهای هیأت حاکمه، گسترش موج نا رفاقتی توده‌ها و فقیر رنلاکت عمومی که مخر و حشتناکی بر ایجاد آن مداوما افزوده میشود، خودیستا به حلقه اصلی در تحولات قریب‌الوقوع عمل میکنند. تاجم جدید رژیم، تاجم قبل از فرار رسیدن طوفان است. باید برای طوفان آماده شد.

رهبری طبقه کارگر ضامن پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی دمکراتیک خلفهای ایران است



کرده اند. از آنها خواست که از انسان حسان بهره‌برند. ما کوبار خا مت اوضاع اقتصادی امری است قابل گفتن و میتوان بسر آن سرپوش گذاشت. این وخامت اوضاع، در هر لحظه خود را در تمام عرصه های زندگی اقتصادی جامعه و شرایط زندگی شونده های مردم نشان میدهد و مردم ایران منتقل از اینکه سران رژیم بخوانند با نخواهند، از اسامی اسکن بخران آگاهند، چرا که عمل در معرض اثرات و نتایج ویرانگر آن قرار گرفته اند.

نخست وزیر جمهوری اسلامی در آغاز صحبت خود با عوام فریبی کم نظیری که مختص سران رژیم جمهوری اسلامی است اما منکر وخامت اوضاع گردید و حتی مدعی شد "الطاف خفیه خداوندی" دوباره شامل حال مردم ایران شده و باران "رحمت آبی" بر سر مردم باریدن گرفته است. او گفت: "ایمن اتفاقا قی که افتاده از لطاف خفیه خداوندی است و ما بقیین داریم که با شین آمدن قیمت نفت نه تنها با امت نکست نظام ما نخواهد شد بلکه جهت های جدیدی را در اقتصاد پیدا ایجاد خواهد کرد و حرکت ما را به سمت تحقیق آرمانهای قید شده در قانون اساسی تسریع خواهد نمود و ما را سریعتر به سمت استقلال اقتصادی پیش خواهد برد. ما در همین مدت کوتاه یک شکوفایی گسترده و مردمی را در اقتصاد خودمان میبینیم." ملاحظه میکنید! همانگونه که جنگ، کشتار و ویرانی و سیه روزی مردم ایران "رحمت الهی" است یکی دیگر از لطاف خفیه خداوندی است که به مردم ایران کاهش قیمت نفت سر از سر شدن هر چه بیشتر حاصل دسترنج کارگران ایران به جیب آنها و تپین المللی و تشدید

بحران اقتصادی، بیکاری، فقر و گرسنگی، کمبود مایحتاج روزمره مردم، امراض... رور افزون قیمت کالاها و غیره و غیره است. حقیقتا که "رحمت" و "الطاف خفیه خداوندی" از همه سو بر مردم ایران باریدن گرفته است! چه مجزات و کراماتی از این "خدا" ساخته نیست! "رحمت" آن جنک و کشتار است و "الطاف خفیه اش" بحران، فقر، گرسنگی، بیکاری و... و به راستی "این همسان نکوفایی گسترده و مردمی در اقتصاد" و "استقلال اقتصادی" است که در قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز قید شده است. اما این عوام فریبی ها دیگر کار را رست نیست. بحران اقتصادی مادی تروسی رجم قرار آن است که بتواند ما این ارا حید انکار کرد و با مهارش نمود. بحران عوام فریبی را که

### اجتناب ناپذیری.

### تشدید بحران اقتصادی

بیکاری در اسامی سلبریتی، توقف تولید و با کاهرت آن، کمبود کالاهای مصرفی، گرانسی رور افزون قیمت کالاها، صف های عریض و طویل ماستحاج اساسی مردم، وخامت اوضاع کتار وری، و فقر و فلاکت روز افزون آشکارا به نمایش گذاشته است. اینجاست که دیگر از دست "خدا" هم کاری ساخته نیست. و هزاران آبه و آدمیه نیز قاف در نیست نکسم سلبریتها بیگار و گرسنه ای را که بحران اقتصادی بر ابعاد میلیونی آنها افزوده است بزرگند. و همین نکته است که نه تنها نخست وزیر جمهوری اسلامی بلکه تمام بحران و دست اندرکاران رژیم را به وحشت است انداخته است. پس بی دلیل نیست که نخست وزیر جمهوری اسلامی از همه جناحها هشت خاکه میخواهد از با زگو کردن حقایق اوضاع اقتصادی و آنچه که ممکن است بر دامنه اغراض توده ها بیفزاید بهره‌برند. اما بحران همه ارکان زندگی اقتصادی جامعه را فرا گرفته است. بحران مرصن و رشد در کشوری که در برابر دوران حکومت جمهوری اسلامی پیوسته تداوم داشته است نتیجه ناکزیر باخت سرمایه داری وابسته ایران و رژیم سیاسی حاکم بر ایران است. این بحران با شیوه های معمولی حل نمیشود بلکه نیازمند یک رشته تحولات و دیگرگونیهایی بنیادی و انقلابی است.

جمهوری اسلامی طی چند سال گذشته تنها با اتکا به درآمدهای کلان نفتی نتوانسته است خود را بر سر پا نگهدارد. اما قادر نبوده و نیست این بحران را حل کند. نتیجتاً نقش نفت در دوران رژیم جمهوری اسلامی حتی نسبت به دوران رژیم شاه سیر در اقتصاد ایران و صنایع آوری و مالیاتی دولت مستترنده است. سحوی که درآمدهای دولت اساساً متکی به نفت است، از سرورد نیاز اساساً از طریق فروش نفت تامین میگردد، و صادرات نفت در کل ارزش صادرات ایران بیش از ۹۵ درصد است. روشن است در چنین کشوری که اقتصاد آن اساساً بر پایه تولید محصول واحد یعنی نفت توأم گرفته و تمام شربانهای اقتصادی جامعه منحوی از آنها، مستقیم و غیر مستقیم وابسته به درآمدهای حاصل از فروش نفت است، کاهش قیمت نفت و یا استیحه درآمدهای نفتی رژیم تحولات

ادعای محسوس و سررزم جنان تا شهری سر کل اقتصاد بحران خواهد گذاشت و به بحران اقتصادی موجود جنان اسامی خواهد بخشید که هرگز سابقه نداشته است. این کاهش درآمدهای نفتی ارکان موجودیت رژیم را در هم خواهد ریخت. تولید در کارخانه ها و صنعت مونتاژ متوقف خواهد ساخت. بخش خدمات را که نقش زیادی در اقتصاد داشته ایران دار دیگری در هم خواهد ریخت. بخش کتار وری را با بحران و از هم گسیختگی بیشتر رور و خواهد ساخت، دولت را از نظر مالی و تامین هزینه های کلان دستگاه نظامی و پروکراتیک و ماشین جنگی و سرکوب سنا دشواری که با بقای رور و خواهد ساخت. سیستم بازرگانی داخلی و خارجی رژیم را با هرج و مرج و از هم گسیختگی مغرطی رور و خواهد ساخت. نظام مالی رژیم را با بحران همه جانبه رور و خواهد ساخت و خلاصه کلام به بحران اقتصادی موجود در تمام جنبه های آن جنان اسامی خواهد بخشید که بی سابقه است. نخست وزیر جمهوری اسلامی در سخنرانی خود گوید که کاهش قیمت نفت را در وضعیت اقتصادی رژیم ناچیر جلوه دهد که گویا سنا چند میلیار تومان "سرفه پوئی" و گسیختن چندین کانال آبرسانی میتواند آتراجیرا سنا بد. در حالیکه اگر قیمت نفت از آنچه که امروز هست بیشتر کاهش پیدا نکند و بشرط این که رژیم بتواند روزانه بی نظیر متوسط دو میلیون تنگه نفت صادر کند، امری که سنا توجه به ادامه جنگ در سطح وسیع اران تا بیانات و معموله های نفتی رژیم دشواری امکان پذیر است. تا ر رژیم رقی در حدود هفت میلیارد دلار بدست خواهد آورد که حتی کفاف هزینه های سرام آور و روه گسترش ماشین عظیم جنگی و سرکوب آت را میدهد. روشن است که رژیم قبل از هر چیزی باید نفتی خود را صرف تامین مخارج هزینه های جنگی خواهد نمود و نه تنها از این هزینه ها نخواهد کاست بلکه تا لکش رور رور در حال امراض است. محسوس و سررزم در این مورد میگوید: "اولین هدنی که ما اعلام کردیم تا میسن کلید نیارهای جنگ نمایی بود. اعلام این هدنیها مسا را در که ما در بودجه تعمیم آرزو - تعمیم منابع ملی - و واگذاری کارخانه ها و تا بیانات ماشین آلات و همه چیزمان هیچ فیدی نادمکن برای قرار دادن این امکان در خدمت جنگ نداشته با سیم. ملاحظه اثرات این تصمیم گیری این سده که فرافتنسکه ما آتدمیم ۶۲ میلیار در صعد ۸

## زندگی بساد استقلال طبقاتی کارگران

عوامل تجمع ثروت در دست تعداد معدودی سرمايه داران انگلیهای اجناسی، حتی در آن تده که در آمار و ارقام دولتی و نشریات استه به حاکمیت انعکاس نیافته است.

بنابراین آمار بانک مرکزی بطور مثال در سال ۶۲، ۱۰ درصد جمعیت کشور یعنی ۲/۲ میلیون نفر از زحمتهای در آمد ماهانه ای برابر ۱۸۰ تومان، یعنی روزانه ۶ تومان اشتغالند.

در همین سال در آمد جمعیت طرز متوسط ماهانه ۳۰۰ هزار تومان برآورد شده است. به عبارتی ماهانه درآمد صدها مردان با جمعیت کشور بوده است.

این آمار و ارقام که تنها گوشه هایی از واقعیت را در خود دارد، تفاوت هولناکی نه میان درآمد اکثریت عظیم افراد جامعه خود فریبندگان شرونها یا اجناسی هستند. اقلیت استثمارگر و لگن که تنها به سه تنگنا، تسلط ابزار تولید و هر سه ای قدرت سیاسی، درآمدهای اجتماعی را در اختیار بوده میگیرند، نشان میدهد. این آمار نشان میدهد که بهیچای خانه خرابی و فقر و آفرین ارگران و زحمتگزاران، سرمایه بهسه داران و انگلیهای اجتماعی بخش هر چه بیشتر از درآمد ملی را نصیب خود میسازند.

شکاف میان درآمد کارگران و زحمتگزاران، زیگس و اقلیت استثمارگر و لگن حاکم بر جامعه از سوی دیگر (دوقطبی شدن جامعه) چنه در نظام سرمایه داری دارد که حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی هم بهزبانیا تر بیسن کلی به آن دامن میزند.

این درست است که با توسعه سرمایه داری روزه فقیر شدن نسبی (مطلق) پرولتاریا بریان میباید و انباشت سرمایه، نابرابری اجتماعی را نیز افزایش میدهد. اما در جامعه ما بویژه از سال ۵۷ تاکنون نابرابری اجتماعی به چنان حدی رسیده و نماددههای سقانی چنان تشدید شده است که جامعه را در ستانه یک آنها قرار داده است.

اگر با تسلط ورشد مناسبات سرمایه داری در ایران، جامعه دوقطبی شده و کارگران زحمتگزاران با فقر و فلاکت روبرو میسازند. دهاند و طبقات استثمارگر حاکم با تسلط بر شرافانی و درآمد خیار داشتن سخت میتوان لخد واسط پیوند میان تنگنا اجزای نشاند و وابسته ایران با سرمایه های بیبریا لیستی، شرایط با تولید سرمایه به ارانه را حفظ میکنند، پس از تقیای همین ۵۷ سن عمدتا انگل ترین و عقب مانده ترین سن زن بورژوازی بود که با تنه برتر کیسب

تسلط سرمایه تجاری

وفقر روز افزون توده ها

سیاسی حاکمیت، سرمایه حاکم شد و تولیدت سخت را به اجناسی، آبراری در جهت گسترش سلطه همه جا ضمه خود یکا رکزت. و هر چند تنها به گفته موسوی نخست وزیر، دولت از طریق تسخیر بنیادهای مستغلمان، بنیادهای مستغلمان، منابع ملی ۸۰ درصد واحدهای تولیدی صنعتی را در کنترل خود دارد، اما حاکمیت با وجود درآمد خیار داشتن اکثریت واحدهای تولیدی، بدلیل ماهیت دلال متغیاش، عملا سرمایه ها را بسوی رشته های غیر تولیدی و همانا انگل ترین بخش آن هدایت و گاتایر میسازد.

بنابراین آمار دولتی سهم بخش خدمات در تولید ناخالص ملی که در سال ۴۴/۵۰۵۲ در صد بود، اکنون به حدود ۵۳ درصد رسیده است. در تفکیک آمارهای بخشهای مختلف خدمات از قبیل رستوران و هتلداری، حمل و نقل، انبارداری، تجارت و ارتباطات، تفریح و تفریح که در حالیکه سهم بخش خدمات بطور کلی در تولید ناخالص ملی به ۵۳ درصد افزایش یافته است. اما در همان حال بجز تجارت مهم نابرابر اقلام بخش خدمات با نسبت به مالیهای گذشته کاهش نشان میدهد و با حداکثر تا بهت مانده اند. بدینسان ایجاد شد فوق العاده بخش تجارت در مجموع تولید ناخالص ملیسی آشکار میگردد.

با افزایش سهم خدمات و اساسا تجارت در تولید ناخالص داخلی، سهمیای بر بخشها از جمله بخش صنعت، کشاورزی، ساختمان و ... کاهش یافته است.

آمار و ارقام مذکر شده حاکی رور شکستگی منابع و انهدام بخش کشاورزی است. در این رابطه باید یاد آور شد که بجز سرکشی طبقاتی هیات حاکم، سرمایه ای که انحصار سهم و ساززه طبقاتی پرولتاریا را بر رشته های پیوند اقتصاد داخلی با اقتصاد امپریالیستی وارد ساخت و بحران انحصاری حاکم سرمایه، منابع حدی سر بر راه تولید را بر تولید در منابع وابسته ایران در چیار چوب مناسبات سرمایه داری ایجاد میسازد. بدوز سرمایه در انگلی که ضربه علاوه بر نخت خنده های کوتاه مدت، اطمینان از تداوم این سوددهی را نیز در بر دارد است. متونف و با بسا رنگه گشت، عدم وجود "مسئله سرمایه برما به گذاری در بخشهای صنعتی را پیش رویت گاهن داد و ندرخ سودیای بخش خدمات و تجارت

سرمایه ها را با وجود حدت کرد. در بخش کشاورزی سرید لسل عدم سوددهی، سرمایه های اس بخش به طرف خرید نیروی کار را بر سر بیسن جیب ضرر و زیان نیروی انسانی شکی بر نضر و دهقانان. آنان را در جستجوی راهی برای تامین حداقل معشت شان روانه حاشیه شهرها نموده است.

سیاستهای حاکمیت که ناشی از ماهیت دلال متغیاش آن میباشد، بهر سه ور شکستگی بخشهای تولیدی و در سرمایه آوری بخش خدمات را سرعت بخشید. بنا به ماهیت انگلی و عقب مانده بورژوازی حاکم، اگر چه اکثر سرمایه ها، واحدها، موسسات تولیدی و اموال شکسته و وابستگان در برابر آفتبنا زد رقابت موسسات جدیدی از قبیل بنیاد مستضعفان، بنیاد شهید و ... در دست دولت متمرکز شد، اما این بخش تجارت است که رور بورژوازم بیشتر از تولید ناخالص داخلی را به خود اختصاص داده است. در واقع دولت هم اکنون به خریدار و فروشنده کالا تبدیل شده و تمامی سیستم را بر پایه خدمت اهداف خود گرفته است. در این رابطه دکتر نفی علمی، معاون وزارت دارایی در سیمینار بررسی مسائل اقتصادی استانیها پیرامون نقش بانکها در این سیستم چنین گفت: "بانکهای کشور جای اینکه به تولید کنندگان وام بدهند به رشته های واسطی و بازرگانی وام میدهند. جمع آوری سپرده ها توسط بانکهای تجاری انجام

میگیرد که علاقمندان به دادن اعتبار در جاهاش هستند که هم رور بزرگت باشد، هم سود بیشتر داشته باشد. گاه این امر مجرد در مسیر قالیهای بازرگانی و واسطی میسر نیست. در این رابطه نقش اقتصادی دولت تنها آنجا که مربوط به سرمایه تجاری میشود، تشکیلات و پرورگراسی تریخی و طولی میسر خدمت میکنند است. علاوه بر موسسات، سازمانها و ارگانیهای تابع وزارت بازرگانی که از رژیم ناهنجاری ما جدا اند. چند بیسن سازمان و موسسه جدیدالتاسیس با هزینه های سرمایه آوری به خدمت گرفته شده اند.

وزارت بازرگانی با ۹ شاخه معاونت، ۱۳ موسسه، شرکت و سازمان تحت پوشش که در رابطه با مسائل تجاری و امور اقتصادی آن فعالیت میکنند ۱۳ مرکز تهیه و توزیع کالا که مسئول خرید کالا از خارج هستند، وظیفه خرید کالا از شرکتهای امپریالیستی و دول امپریالیستی و وابسته و رساندن این کالاها به دست تجار و سرمایه داران وابسته به بازار را برعهده دارند.

دستگاهها و مراکز تهیه و توزیع کالاها تحت پوشش وزارت بازرگانی، اجناسی را در صفحه ۱۲



### باز هم درباره ضرورت سازماندهی کارگران

خروشنندان افزوده شده است. بلکه وخامت خلق وضعیت کارگران بدتر شده است. شرایط زندگی و کار آنها را اندک با رسیده است که طبقه کارگر با تپا هی جسمی و معنوی جسمی زو پروسست در حالیکه سرما به داران ، معسوم خروشنندان وانگل های اجتماع با مکیدن خون کارگران ، هر روز فرسوده تر از روز پیش شده ر بهیخته بر جسم سرمایه ها و نروت میسرود فروده اند ، کارگران با فقر و بدختی روز افزونی روبرو هستند . نظام سرمایه داری تا کم برای ایران طبقه کارگر را در معرض شتم ، شتمار ، فشار و بی حقوقی بی حد و حصری قرار داده است ، چندین سال مداوم است که شتمزد و اقمی کارگران بیوسته گاهش یافته اکنون به چنان حدنا چیری رسیده است که مانی با سنگوی حداقل معیشت و زندگی بخور و میرگرا رگروغانه و نیست ، این واقعیت ر هر گرا رگری که شرایط زندگی امروز خود را با چند سال گذشته مقایسه کند گاه ملزوشن است تا رگران با این واقعیت روبرو هستند که نشا گریفری شتمزد است می با بولی آنها اندکی تم افزایش یافته باشد ، با این وجود این شتمزد بهیچوجه کفایت زندگی آنها را در حد سطح با شش سال پیش هم نرسد ، بگذریم از اینکه حتی در موارد متعدد ، پیشووه های مختلف از جمله حذف مزایای کارگران که بیژی از دستمزدها آنها بوده است ، دستمزدهای آنها نیز گاهش یافته است ، در حالیکه بر طبق محاسبات خود آنها در هر یک حقوقا هیا نه ۸۰۰۰ هزار تومان برای تامین یک زندگی معمولی لازمست ، حقوق ما هیا نه اکثریت کارگران حتی به نیمی از مبلغ فوق الذکر میرسد ، پس این واقعیتی است که کارگران حق سخنراننده عادلانه با تمام غذائش ، پوشاکی خود و خانه و دارا را تا بس کند ، با رده ، این وضعیت کارگرای است که مشغول کارند ، این با رتور زندگی صلبر بهیچا کارگریست که بهیچار ندوحتی اردانشن نیست دستمزدها چیر بر محروم اند ، عناصری سی دولتی تعداد کارگران را بهیچ ار دو میلیون ذکر میکنند ، اما واقعیت این است نه تعداد کارگران دوبرابر این رقم یعنی در دهها میلیون است که ما شنیده ایم در آن تعدادی هم روزه بر تعداد آنها افزوده می گردد ، روری نیست که تعدادی از کارگران

کارگران با این شرایط روبرو هستند و این سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در پی آن است که با سازماندهی کارگران در هر دو صورت سازماندهی سیاسی و سازماندهی اقتصادی ، به آنها کمک کند تا بتوانند با این شرایط روبرو شوند . این سازماندهی سیاسی به معنی سازماندهی کارگران در هر دو صورت سیاسی و اقتصادی است . این سازماندهی اقتصادی به معنی سازماندهی کارگران در هر دو صورت اقتصادی و سیاسی است . این سازماندهی سیاسی به معنی سازماندهی کارگران در هر دو صورت سیاسی و اقتصادی است . این سازماندهی اقتصادی به معنی سازماندهی کارگران در هر دو صورت اقتصادی و سیاسی است .

سازماندهی کارگران در هر دو صورت سیاسی و اقتصادی ، به معنی سازماندهی کارگران در هر دو صورت سیاسی و اقتصادی است . این سازماندهی اقتصادی به معنی سازماندهی کارگران در هر دو صورت اقتصادی و سیاسی است . این سازماندهی سیاسی به معنی سازماندهی کارگران در هر دو صورت سیاسی و اقتصادی است . این سازماندهی اقتصادی به معنی سازماندهی کارگران در هر دو صورت اقتصادی و سیاسی است .

## پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر

### اخراجهای دسته جمعی و کمیته کارخانه

کارگران عیثیت می باید و رابطه ارکانیک  
بین طبقه بنا به یک کل واحد متخلی میشود.  
در نظام سرمایه داری، با تراکم و تریکز  
بر مایه و تمهید تقسیم کار اجتماعی، رشته های  
مختلف صنعت مدام تعمیق می شود. هر چند  
در این روند، تعداد واحدهای تولیدی نماند  
تا هنر بسیار با مادی و عیثیت نیاز هر چه  
تعمادی به مایه های تولیدی امروز  
بیکر دو روابط اجتماعی بین مولدین بیسی  
برولتاریای بخشهای مختلف مایه محکمتر  
میشود. این امر خود موجد فرهنگ سوینیست  
که کلیت طبقه کارگران را از لحاظ تولیدی  
بهم مرتبط شده اند، لحاظ ذهنی بهم نزدیک  
می سازد. و با این ترتیب صنعت بزرگ ماشینی،  
نیز زمان، طبقه های را سازمان میدهد، متحد  
می کند، منضبط می گرداند که مایه بگورکن همین  
نظام باشد و چنین رسالتی را بر عهده دارد.  
حلقه نه بر سر جمع ساده کارگران در یک  
جمل، در یک کارخانه و مایه تولیدی  
است - که این خود جز کوچکی از روبرا  
رگانیک است. استقامت کارکنان است - بلکه این  
می تواند از طریق نیاز رشته های مختلف مایه  
بیکدیگر و عیثیت مل ذهنی که مبدل سال جنسی  
بازی همچون زنجیرهای کتیب تولید کنندگان  
بهم متصل می سازد مطرح می سازد.  
اجتماعی شدن کار و عملگردهای تخصصی  
بزرگان در روند تولید و تبدیل تولیدی  
بصرفه دیک تولید اجتماعی، طبقه مولدین  
که تحت مشقات و استثمار نظام سرمایه  
داری قرار می گیرند، مایه رزهای متحد  
طبقه استثمار و مروت میدهد.  
طبقه کارگرها طریقت در تولید  
اجتماعی و جمعی که در جریان مایه  
بازار اجتماعی به یک کل ارگانیک بهم  
مبدل شده است، مایه رزهای جمعی  
بمحدودی نیاز و در این آن رسد مایه  
بسیتر آن مکان سازمان مایه طبقه  
بکرانرا هم مایه  
هر چند که در کشورهای سرمایه داری  
بسیتر مایه مایه رزها، مانند ارکانیک  
بمادهای مختلف مایه مایه  
بمادهای مایه رزها، مایه مایه  
بمجموع مایه مایه مایه مایه  
برولتاریا را در آن مایه مایه مایه  
بماید، در چنین کشورهای سرمایه داری

مردم در این کشورها  
حال در سازمانهای  
معمول رشته های مختلف مایه  
رشته های مایه رزها، مایه مایه  
بسیتر مایه مایه رزها، مایه مایه  
بمادهای مایه رزها، مایه مایه  
بمجموع مایه مایه مایه مایه  
برولتاریا را در آن مایه مایه مایه  
بماید، در چنین کشورهای سرمایه داری

بمادهای مایه رزها، مایه مایه  
بمجموع مایه مایه مایه مایه  
برولتاریا را در آن مایه مایه مایه  
بماید، در چنین کشورهای سرمایه داری

۴۰ ساعت کار، دوروز تعطیل در هفته حق مسلم کارگران است



### دو تاکتیک در مقابل یک...

و متونمی که این نیروهای سیاسی ارائه میدهند، اما در اساس بر ستای دوخط منشی انقلابی و فرمیستی موجود در جنبش کارگری و کمونیستی، با دو مجموعه تاکتیکهای اساسا متفاوت با یکدیگر مزاجه ایم. یکی، بر اساس خط منشی انقلابی - پرولتری، مجبور شده تاکتیکهای ربا توجه به وظایف اما منشی پرولتاریا در این مرحله از جنبش انقلابی پیش میکند. این خط، در مقابل با مصالحه احزابهای دستجمعی، آن سیاست و تاکتیکهای رایج آنها را رد میکند و به ما زماندهی آن میپردازد که در روابط با این تاکتیکها در دیگر مراحلهای مبارزه، مجموعا، مبارزه پرولتاریا و سایر تودههای زحمتکش را در راستای تحقق انقلاب، حرکت در آورده، دیگری، اما، بر اساس خط منشی فرمیستی اش، مصالحه مقابل با احزابها را در پیوند با سرنگونی رژیم - اکنون، زمانی که سرنگونی رژیم در دستورات - قسرا - نمیدهد. برای این خط فرمیستی جنبش طبقه کارگر بر علیه سیاست بیگانه سازی پرولتاریا هیچ ربطی با مصالحه انقلاب پیدا نمیکند. هر مصالحه منحنی اجتماعی مجزا از سایر مسائل در نظر گرفته میشود و لذا تاکتیکها از هم گسیخته و در یک راستای مشخص اتفاق نمیفتند. هر چند که با بدافع آن نبود این تاکتیکهای بظاهرا هم گسیخته و غیر متجانس که از سوی برخی نیروهای مدعیسی مارکسیسم اتفاق می افتد در فریم رانسانه رفته است و خود ریشه در جنبش فرمیستی ایران دارد. از جمله این دسته از نیروهای سیاسی میتوان به "گومه لوسیند" اشاره کرد. سیاست این بلوک اشتلانی در مقابل با سیاست بیگانه سازی رژیم، متمسکون فرمیستی خط منشی این بلوک را که اساسا آشکار میسازد.

این بلوک اشتلانی، طی مناسباتی نام "طبقه کارگر در برابر سیاست بیگانه سازیهای دولت" که در دست و بجمعی شماره نشریه کمونیست بجا بر رسیده است، بیگانه دیگر عجز خود را نسبت به مسائل منحنی مبارزه طبقاتی پرولتاریا و لذا آنجا دنیا کنیکها و شعارهای منحنی در رابطه با مسائل جامعه به شما پیش گذاشته است. در این مقاله، این بلوک چه تشریح سیاست خود در مقابل با سیاست بیگانه سازیهای دولت پرداخته است.

و طبق معمول آنجا که بحث از مسائل مشخص، تاکتیکهای منحنی و عمل منحنی مطرح میشود با انفعال، مصمم گویی و سربرود آوردن در مقابل جنبش خود بخودی از سوی این بلوک روبرو میشویم و در مقابل آنجا که بحث از محیطه مسائل منحنی خارج میگردد و مسائل عام و مجرد جنبش طبقه کارگر و مناسبات عام "سیکا" را ریهای دولت "سما" میآید، شاهد سخنان آنتن و "انقلابی" این مدعیان "مارکسیسم انقلابی" هستیم.

تشریح کمونیست میشود: "سازمان دادن دفاع در برابر بیگانه سازیهای جاری و با تن زانهای مقابل با این هجوم بدست به کارتون توجه معافل پیشرو و کارگری و محور فعالیت رهبران عملی تبدیل شده است. این درست است که اکنون مقابل با سیاست احزابهای دستجمعی به مصالحه مبرم جنبش کارگری تبدیل شده است. بستن کارخانه ها و احزابهای دستجمعی که اساسا با سلطت بحران حاد اقتصادی انجام میگیرد، ربا نهایی چیزی را پذیرای راه قدرت و انجام طبقه کارگر وارد میآورد. بستن کارخانه ها و بیگانه سازیهای گسترده، با لقیه، زمینه های سازمانیایی طبقه کارگر را تضعیف میکند. آیم در است در شرایطی که دولت تغییراتی بحران انقلابی، با ممد آنتن "حوادث" سرشست سازی است. علاوه بر این، مقابله با بیگانه سازی در جنبه های دیگری نیز شهنش است. مصالحه فقط این نیست که تمسک داد معتنا بیی از کارگران به خناساها پرتاب میشود و بصورت انفرادی در جنبش عمومی مستحیل میگردد. مصالحه فقط این نیست که با بستن تعداد بسیاری از کارخانه ها، از قدرت طبقه کارگر در کل جنبش کاسه میشود بلکه مصالحه این نیز هست که "سیاست بیگانه سازی" - اگر با مقابل با انقلابی روبرو نشود - بسا به اهرمی جهت در انتقاد نگاه داشتن کارگران شاغل عمل میکند. جو ایجا دنده در افرای اجبای دستجمعی، نشانی مبارزاتی کارخانه های راه که به ضلالت خود داد بیدهند تحت تاثیر قرار میدهند. سیاست احزابهای دستجمعی، همچون جهانی بالای بیگانه سازیها، قائل نگاه داشته میشود تا از حرکات اعتراضی و مبارزاتی آنسان جلوگیری نماید و از این لحاظ نیز جنبش طبقه کارگر تضعیف میشود.

پس در حقیقت، مصالحه بر اساس این امر نیست که با بد در مقابل این سیاست ضد کارگری رژیم، به مقابل برداخت، مصالحه

بر اساس است که با توجه به مجموعه شرایط حاکم بر جامعه حکومت و اقدام تاکتیک به مقابل با سیاست کارگری رژیم بر خاست. برای سیاست که با بدیدر همسود و تاکتیک "بلوک اشتلانی گومه لوسیند" در "سازمان دادن دفاع در برابر بیگانه سازیها" که بدکارتون توجه معافل پیشرو و کارگری و محور فعالیت رهبران عملی تبدیل شده است. حست؟ واقعتا آن است که آنچه عملا از سیاستهای "گومه لوسیند" نتیجه میشود این است که این "کارتون" و این "محور فعالیت" هر چه بیشتر ارجحیت کارتون و محوریش خارج شده و شکل نقاط پراکنده و بی محسوری در "فعالیت های رهبران عملی طبقه کارگر" تبدیل شود.

تشریح کمونیست پس از ترسیم "وضعیت فعلی جنبش کارگری در ایران"، وضعیت کلیه طبقه کارگر "با قدر حکومتی شکل سازی و منطقه ای" میباید ما رزات کارگران "پراکنده" است و "بدون داشتن پیوند" با یکدیگر نتیجه میگیرد که "به این ترتیب تمسک یک شکل مبارزه برای مقابل با بستن کارخانه ها، بدون توجه به ویژگی ها و نسبت منحنی که در هر جا بزرگ پیش میآید، رهنمودی خواهد بود که دست رهبران عملی را می بندد... سنا بر این در شرایط مشخصی فعلی، در مورد اشکال مقابل با تعطیل یک کار بزرگ معین، ما طرفدار متنوع ترین اشکال هستیم که بسته به شرایط، از سبزی رهبران عملی و در حین مبارزه انتخاب شود. همه چیز منحنی در شرایط دارد، بیضا هنک محق نیست از قبل بر شکل منحنی از مبارزه و بر تاکتیک معینی تا کید و رزده، جنبش خسرد بخودی، مورد حلال نامی مشکلات است. این است که سیاست "گومه لوسیند" در مقابل با "سیاست بیگانه سازی دولت".

این بلوک، آنجا که با بد منحنی در مورد مسائل عملی و تاکتیکهای منحنی اتفاق می افتد، عملا، انفعال و سروری اش را از سبب حوادث نشان میدهد. نشان میدهد که حکومت به هر آنچه که هست رضات میدهد. البته طبیعتا است که این بلوک در هر شرایط منحنی "طرفدار متنوع ترین اشکال" برای مقابل با هر مصالحه منحنی باشد. طبیعتا است که ما طبیعتا چنین دیدگاهی عملا منحنی از هم گسیختگی در مبارزات طبقه کارگر باشد. طبیعتا است که اینان بجای اینکه مبارزات غیر منظم و از هم گسیخته و "بدون پیوند" کارگران را در

## زننده به باد سوسیالیسم

اجتناب ناپذیری

تشدید بحران اقتصادی

حواشی گشته در هر سه حد داخل ده میلیارد در سال  
سازمان در نظر دارد این امر را به وسیله اصلاحات در  
رأی‌خانی و سایر اقسام در حال گدازها که حاصل  
درآمد است و احتیاج به تأمین حاصل از فروش  
مستحق در هر یک از این بخش‌ها می‌باشد. این بخش‌ها عبارتند از: بخش  
این واردات شامل نفت، کود، مواد شیمیایی و غیره است.  
پس وجود این امداد بخت و زیرزمین را از بین  
می‌برد که منکوبه: "بر اساس سوشل ایزم،  
دولت خود را موظف کرده که از راههای اساسی که  
در دست دارد به تنهایی که قبلاً تهیه می‌شده تهیه  
کنند و از اختیار مردم قرارداد دهد. بدین صورت  
که اگر ما مجبوریم قسمتی از آنها را وارد  
کنیم به صورت واردات و آنها را با هم کنیم  
می‌توانیم در داخل تهیه کنیم به صورت  
تولیدات داخلی فراهم آوریم و در اختیار  
مردم قرار دهیم و قیمت آنها را تثبیت شده  
نگه داریم." معلوم نیست سخت و زیرزمین  
چگونه می‌خواهد بدون ارکان خود را در کند، چگونه  
بدون مواد حاصل از کالاهای مورد نیاز کالاهای  
کالاهای اساسی را در داخل تولید کند و چگونه  
قیمت آنها را تثبیت شده نگاهدارد؟ تنها  
شاید از طریق مبادلات با پایایی و از نیم مقدار  
محدود می‌تواند بخشی از نیازهای کشور را  
تأمین کند. اما ادعای موسوی مبنی بر  
اینکه می‌خواهد قیمت ها را تثبیت کرده  
نگه دارد، نه فقط غرض از حقیقت بلکه  
منگ است. سال گذشته که وضعیت رژیم  
سایر حدودیم نبود نتوانستند افزایش  
روز افزون نیست کالاهای را می‌راند و بر طبق  
آنرا خود رژیم این اراضی در واقع  
اردی به نسبت ۶۲ تا ۶۵ درصد نسبت تمسید  
توسط کالاهای ۱۲٪ بوده است که قطعا با محاسبه  
قیمت خرده فروشی ۲۵ تا ۳۰ درصد بوده است  
و هم اکنون بر طبق دو سه ماه اخیر قیمت  
کالاهای در مواردی حتی تا ۳۰ درصد افزایش  
پایافته است. پس واقعات مذکور گدازها  
نخست و زیرزمین را نشان می‌دهد، اقسامات  
دیگر دولت سر سر نخه‌های جزئی به بحران  
و توانم و حرم آن برسد که رحمتگان در  
بی خواهد داشت. سیاست ما مطلع مردم جوش  
رژیم سر در حیط بند بر کوداست. او می‌گوید:  
"تا در صورتی ما یک اقدام انقلابی بی  
شرطی ما نباید مدام در آن سال  
محاسبه: این دا سیم به تمام دستاویسهای  
جراتی که در پیرو اید آن وزارت برنامه  
وجود و همه دستاویسها موظف شده که ۶۲  
نسبتاً در تو مان مردم جوش در سوره‌های  
عمرانی جاری کشور داشته باشند." گذشته

سازمان مردم جوشی در کشور اعلام کرده‌یم در  
این ماه بودجه جنگی نه تنها ما به هیچ وجه آن  
درجه را کم نکردیم بلکه این زمینه را هم  
در اختیار برادران در هیئت دولت می‌قیمیم  
ندستوانیم از ما بپوشانیم و به این زمینه  
یک کنیم. ما سوره‌های نائل از بی که  
ارجمت ما بر اساس این هدف اول آمدیم ارز  
بیک را گسترش دادیم و قرار شد تا سراسر  
نایست فقیه آنرا بطور کامل بپردازیم.  
سرروشن است که رژیم بخاطر ادا معینک شده  
تنها چیزی از هزینه‌های جنگ نخواهد داشت  
و در وهله نخست از حاصل از فروش نفت را  
صرفاً به محتاج جنگی خود خواهد کرد بلکه  
ما که بر اساس هزینه‌های بخش‌های دیگر نیز  
به جنگ اختتامی دهد. این سیاست رژیم  
بدانجا منجر خواهد شد که صنایع ایران که  
با مواد اولیه و تکنیک، مواد اولیه و  
زائط‌های به منابع و موسسات کشورهای  
مهربانی و وابسته اند، در شرایط فقدان  
بزرگ برای تهیه محتاج خود متوقف  
گردند. هم اکنون تعدادی از کارخانه‌ها  
در سراسر تعطیل شده و در تعدادی دیگر  
بدر حد حد اقل ممکن کار می‌کنند. این  
این روند ما کالاهای در آمد دولتی است  
خواهد یافت که در سال گذشته تنها تعدادی  
از کارخانه‌ها و موسسات تعطیل گردیدند و  
با تسمیه نده نیز با ظرفیت کمتر از ۵۰ درصد  
تعمیرات خود ادا می‌دادند. اکنون بخش  
و سعی از موسسات تولیدی بکلی تعطیل  
خواهد شد، و بخش ناچیز دیگری که مانعی  
سایر مانده‌ها را ظرفیتی حتی کمتر از ظرفیت  
موجودی کارخانه‌ها خواهد داد. و با تسمیه  
در خدمت جنگ قرار خواهند گرفت. نتیجه نوری  
این امر تنها اخراج تعداد کثیر دیگری  
از کارکنان ایران و محروم شدن آنها حتی  
از تامین حداقل معیشت است بلکه کمبود  
محتاج و کالاهای مصرفی مورد نیاز روزمره  
مردم تشدید خواهد شد. اگر تاکنون در حیط  
واردات عظیم کالاهای اساسی از محمولات  
مصرفی صنعتی نیز در داخل تولید می‌شد  
تا حدی درآمد منفی تولید این محمولات به  
حد اقل ممکن کاهش خواهد یافت و ما توجه  
باینکه فقدان ارز مورد نیاز برای واردات  
کالاهای مصرفی که ملی هستند است  
واردات به نفع ایران خواهد شد که در نتیجه  
شاید بتوان گفت که کالاهای مصرفی را  
سایر و وارد کند. در این سطح ما محتاج  
مصرفی از جمله مواد غذایی، مواد  
بنا، مصالح و سایرهای روزمره نسبت به سایر  
برنده، قیمت کالاهای اساسی خواهد  
شد و وقتی در هر سال که حاکم

از استخوان برده جوشی سیمان توفیق  
بر برده‌های سراسر و کاسه بدن از هر پاره‌ها  
بیدار است، در ما اس. آموزش و نهاد است که همگی  
سراسر برسد کس بوده‌های مردم تا شکر  
نگار و در سایر روستا ربا در مردم تحصیل  
سنگین است که از نتایج سیم آن سربیکار  
بدن دهیها فرارتن ارکان گران ایران در اثر  
این سیاست است. سیاست اخراج است  
تعمیراتی نیز می‌تواند رژیم را از نتیجه‌های  
که با آن رو بروست نجات دهد، چرا که نقش  
آن اقتصاد را چیز است که تا شیری در واقع  
خواهد داشت. رژیم اگر همه تلاش و مکاناتش  
را بر سر خدمت بگرداند در نهایت حتی مسا دل  
یک میلیون دلار از درآمد آبی ما در آن قفسر  
نفتی بدست آورد، تمام واقعات نشان  
می‌دهد که برخلاف ادعای نخست وزیر رژیم کاش  
در آمده‌های نفتی شدت بروغانت و وضع  
افزوده است و خواهد افزود، بحران اقتصادی  
به درجه کم سابقه‌ای تشدید خواهد شد.  
تحت تاثیر این بحران و سیاستهای  
ارتجاعی رژیم، وضعیت اقتصادی و معاشی  
نوده‌های مردم وحشم تروضا بطرندگیسی  
آنها تحمل نابپذیر خواهد شد.  
رژیم جمهوری اسلامی قادر به حل  
بحران اقتصادی موجود نیست. این بحران  
راه حل انقلابی، ابتکار نوده‌های دیگر گوسی  
اساسی در ارکان جامعه را میطلبد. این  
بگانه‌های است که برای رهاش از قفسر  
فلانک موجود، و مقابله با بحران در برابر  
نوده‌های مردم ایران قرار گرفته است.

یادواره شهیدای سازمان

- کاظم
  - احمد
  - اکبر
  - شهیدان
  - حاجت
  - غلامرضا
  - حمزه
  - سعید
  - سید
  - شاکر
  - کمال
  - شریک
- خرم آبادی  
حق بیان  
سعیدی شهدایی  
محمی کسیر  
جلالی  
ماهی  
رحمانی  
آبادی  
صدریان

روح کسر حشمت اشکوف  
و همگی با تمام شهادت کمنام تیرماه  
سازمان کراسی باد .





### داداشتهای سیاسی

حتی مسزهد کنونی خمینی است. اکنون نفت که برای هرستگدان کمتر از ۱۰ دلار میبرد از ۳۰ دلار برای ما خدا را ندارد. و با هیچ خمینی به معنای اقتصادی نیست که با این ارزش نباشد، یعنی به ما و را خدا نگاه کرد. زمانی که قیمت هر بشکه نفت بیش از ۳۰ دلار بود، وضع فرق میکرد. انگاه به خدا با قیمت سنگینی میزان صادرات و قیمت آن دارد. و اکثر راه عمل خمینی در مقابل ما بحرانی که برای ما راهی جا همه را فرا گرفته است. ما رکنه خدا و انگاه به است.

آنچه که در چشم انداز است، تنگدستی در اقتصاد است. رژیم جمهوری اسلامی نمیتواند این بحران را مهار کند و تمام نیروی فلکنت شده ها فرو رده خواهند. در عین حال که بحران اقتصادی را تا اوم میبندند، جدا از مشکلات بحران انقلابی موجود، محدودیت درآمدهای حاصل از فروش نفت از اهمیت درخوری برخوردار است. اما هیچ نشان محسوسی از تنفس را سیاسی در وضعیت ما از جبهاتی نیست که بتواند در خدمت رژیم جمهوری اسلامی قرار بگیرد. ما حده نصیب شود. برای این معنا میتوان پیش بینی کرد که هزینه تا در مقابل ما و نیزهای نفتی، در سرد خمینی، بره در روز سنگین تر شود.

### ۳- سبک کار حکومتی

### دیکتاتوری یکسان است

بحرانی های اخیر بحران رژیم نشان داده که تمامی حکومتی مد مردمی، زمانی که بحرانی ها در پیرو میسرند و مقاومت و نراض همگانی با نامیکرد، به شیوه های سیاسی دست می یازد. و چرک را آنچه که خدا می حکومتی دیکتاتور و مد مردمی کرده اند. راه دیگری در مقابل خود میبندند. یعنی، رهنمایی، محسوسی و سایر بحران رژیم، با همان الفاظ سیاسی به شرح شرایط و مقادیر و انا را محسوس تا همه برده اخته اند و ما همان سلاحها و برای به مقابل ما اعتراضات بوده ای بر ما شده اند. تا رژیم شاه به آن متوسل شده و سرود و روایات بوده های شری اثر را به تسکوت رساندند. و این نه فقط محسوس ایران گسسته

نشونه های سومورا، با تیمنا، مارکوس و غیره. اینها خنهای جهانی این شیوه شما می باشد.

حکومت های دیکتاتوری و مد مردمی که با حکمرانی خود را بر سرکوب مداوم مردم و ایجاد وحشتان بر جامعه بنا میکنند. در زمانی که بحران انقلابی فرا میگیرد و اعتراضات شده ای با نامیکرد، هر حرکت اعتراضی را به عوامل خارجی وصل میکنند. به همین دلیل است که سخنان سران رژیم، این روزها، آنگونه را بنویسد عوامل سبکبار در میان مردم است. بیاطمین دست بیکبار شده اند تا در میان سلیمانان نفس ساق بیاندازند و شبکه های قاچاق سیاسی برای دلسرد نمودن مردم از حکومت انقلابی بسازند. ما لیت خود را برده اند و دولت های استکباری برای نفوذ در داخل جامعه و اخلاص در یکبار مسلمین بنا عوام جا برسان کار آزماییده میادرت ورزیده اند.

رهنمایی در ما رجمه از دستگیری یک جا سوس آمریکا می خبر میدهند و سپس اضافه میکنند که اکنون آمریکا می ها فکر میکنند که حکومت اسلامی از نظر اقتصادی ضربه پذیر است و از عوامل خودشان در داخل جامعه استفاده میکنند تا وحدت مسلمین را به خطر بیندازند. و رهنمایی با این مغزی و کسری چیدن ها، انگاه به اعتراض و اعتماد به شبکه اشاره میکنند. محسوسی وزیر کشور نیز اعلام کرده که "یک شبکه اسرائیلی ۱۷ نفره که ساق گرفتن پول مشمولین و فراریان از جبهه ها را از مرز خارج میکرده، دستگیر شد" محسوسی در عین حال اضافه نمود که "۳ حریف مهلت برای مشمولین ۲۷ نفر است و در صورتیکه خود را تا این مدت معرفی نکنند دستگیر خواهند شد." در حقیقت آنچه محسوسی میخواهد است در پیوست دستگیری یک شبکه اسرائیلی آ را محسوسی کند. مقاومت گسترده مشمولین برای معرفی خود به مراکز ترابری است. به اس طریقی که محسوسی میگوید، ما برای این با بد اعتراض و مقاومت بوده ها بر علیه جنگ و بیسج اجباری نیرو کار شبکه های صهیونیستی باشد.

از این نشونه ها بسیار است. اما اگر این شیوه ها توانست رژیم شاه را خاتمه دهد، رژیم جمهوری اسلامی را هم خاتمه خواهد داد. رژیم شاه سر زمانی که اعتراضات بوده ها را به کسری بناد، سیاسی است. حرکت را تا به حرکت با عوامل خارجی محسوسی کرد و محسوسی که کسری عوامل خارجی هستند که از مرزها که سرودند داخل شهرها تظاهرات بر راه می اندازد. اگر حکومت اسلامی از همان ابتدا

تمامی اعتراضات و مبارزات بوده ها را به مد انقلاب مغلوب و اسکناس رجحانی نسبت میداد اما اکنون وضعیت آنجا ان انفجار آمیخته گشته است که ما بدینا هدم روح دمافزونی از دستگیری شبکه های قاچاق سیاسی، جاسوسی و غیره ما نام. سبک کار حکومتی دیکتاتور یکسان است.

### افزاجهای دسته جمعی و کمیته کارخانه

فراهم است اما مجموعه شرایط عینی و ذهنی جامعه، بطور کلی تشکیل این کمیته ها را الزام آور میسازد.

اگر شرایط حاکم بر جامعه را در نظر بگیریم یعنی بحران انقلابی، جو شور و خفگان و سرکوب معنای کمیته، بنسبدهیگونه شکل کارگری حتی تشکلهای منفی کارگران بحر تشکلهای وابسته و متشکل از عناصر مرزیم، شرایط فوق العاده متحولی که هر آن امکان بروز انفجارات عظیم بوده ای را پیش روی فرار میدهد و با لایحه رنج ریب جنبش کارگری جهانی و جنبشهای انقلابی پیروز شده در چند دهه اخیر رهنمودهای کمیته در این مورد هم اکنون مناسبترین شکل تشکل کارگران کسند کارخانه است.

کمیته کارخانه در شرایط کنونی نمیتواند در صورت بیک شکل فراگیر بوده ای تبدیل شود. فرجه که در ابتدا و متناوب با شرایط ممکن است بصورت مخفی و با استکار کارگران پیرو همتا را لیه آن تشکل بشود - سویرا کرده در جریان اشغال کارخانه توسط کارگران پدید آمده از همان ابتدا یک تشکل وسیع و توسعه ای خواهد بود که میتواند در مدت سترین با سخ به می سازمانی و برآیندگی سروده تا کارگران باشد. سویرا سو توجه و مسست کنونی آن سازماندهی شده در دستورات دارد که هم حول مسائل مشخص و خواسته های بنیاد و بصوری (منفی سیاسی) کارگران اعتراضات آنان را سازمان دهد و هم با شکوی جسم انداز متحول جنبش انقلابی بیرونی حدیثاتی باشد. تشکلی که خود صنایع تا تحولات جامعه و وضعیت جنبش محمول کرده در دست بر مسست انقلابی است اشکال عاملی نظیر نیروهای انقلابی سازمانها را نام عنوانند فرا رود.





### دو ناکتیل در مقابل ما . . .

فابریکهای مختلف، با توجه به شرایط موجود است و سود داده، به آن تمرکز هستند و راستای شخصی را در جهت پیروزی این مسابقات پیگیری می‌کنند. کارگران باید بدانند که به روشیست موجود در سمیت هستند. در مقابل این از هم گمیختگی سرفروا و رندولنگ لنگان در پشت بر ما زرات "پراکنده" طبقه کارگر گرام بر دارند، یعنی عملاً بر "پراکنده" و "پیوند نداشتن" مبارزات کارگران در فابریکهای مختلف مهر تاشید بکنند.

این بلوک میگوید معاً بلند با اهرای جاهای دسته جمعی "بدرست به کار برن توجه محاسباتی پیروکارگری و محور فعالیت رهبران عملی تبدیل شده است". اما درست در هنگامی که می‌خواهد سیاست "حزب کمونیست" را در مقابل این مبارزه جنبش، که نه به کارگران بسنگ فابریک، بلکه به کل طبقه، به حسن برابری کارگری مربوط میشود، روشن سازد. چیزی در صحت بخشیدن به پراکنده‌گی و از هم گمیختگی و نیست موجود، سیاست دیگری را ارائه میدهد. حزب کمونیست که سیاست در مقابل یک مقاله منظم، راستای عمومی جنبش و منافع کل طبقه است، در اینجا این "حزب کمونیست" سیاست را در راستای اشکال مختلف مبارزه در فابریکهای مختلف تدوین میکند. این "حزب کمونیست" سیاست محکم پیش از آنکه در مقابل کل طبقه تکیه میکند تا با ملاحظه دست "رهبران عملی" بستند. زمینه این سیاست را هم گمیختن "حزب کمونیست" که پیش از روی کارگران برآمده است. منضم و فرامیشتی بر ما به وحش منی است که در نقطه در این عرصه مبارزاتی، بلکه در سایر عرصه‌ها سیر خود را نمودار می‌سازد. وقتی این کمونیستاً "حزب کمونیست" را تجزیه میکنند به بخشهای جغرافیایی سلاسل از یکدیگر شتم می‌سازند، آیا منضم نیست که در مورد کل طبقه مبارزه کمونیست بر اساس "و صمیمت منظمی هر فابریک" مانند؟ و آیا ضمیم نیست که "رهبران عملی" در فابریکهای گوناگون منضم نشی "حزب کمونیست" را در جنبش کارگری سرعده بکنند؟ گذار از این کل شکست، گذار "رهبران عملی" هر فابریک خود جز کمونیست بشمار آیند!

در مقابل این سیاست دروغین طبقه کارگر که عملاً سرفروا آوردن در برابر و صمیمت موجود را موعظه میکند، که پراکنده‌گی در مبارزات کارگران را دامن می‌زند، که با سر

مبارزاتی، سرنگونی منضم که همچون طبقه اصلی، کل سلسله ربحر مبارزاتی کارگران را بیم کرده میرسد و در یک حیطه حرکت در می‌آورد، ناکتیل می‌کند.

در مقابل ما سیاست اهرای جاهای دسته جمعی نیز، سیاست اشکال متنوعی بکار گرفته میشود و رهبران عملی کارگران در هر کارخانه منتظر این سیاستند که "گرمساده" به آنها رهنمود دهد که به هر شکلی که صلاح میدانید مبارزه کنید! خبر آنها تباخی به چنین رهنمودهای بی مضمونی ندارند. وظیفه سیاست هر فابریک را این است که در راستای مصالح منضم عمومی طبقه کارگر، و نه هر فابریک منضم - بریکل منضم - متناسبی با سطح منضم و سیر تحولات جامعه باشد تا کید و زرد.

بر همین اساس است که سازمان ما، منم مجاز دانستن اشکال متنوع مبارزه در مقابل ما سیاست اهرای جاهای دسته جمعی و بستن کارخانه‌ها، بر انتقال کارخانه توسط کارگران به عنوان شکل منضمی که میتواند مبارزات کارگران را رخنات گوناگون را با توجه به دوران انقلابی کوشی و عملیات تعرضی جنبش، در یک راستای واحد قرار دهد، تا کید می‌وزد. انتقال کارخانه‌ها در مقابل ما سیاست منضم کارخانه‌ها و اهرای جاهای گروهی و دسته جمعی آن طبقه اصلی است که بر اشکال مبارزاتی کارگران را در مقابل ما سیاست رزم منضم میتواند بیم گردد. انتقال کارخانه‌ها، نمیتوانند حرکتی در خود باقی بماند و اثرات گسترش یافته آن، مبارزات کارگران در فابریکها محلطف را بیم بیوند می‌زند. اگر "سازمان" دادن دفاع در برابر مبارزاتی های جاری و با نشن راههای مقابل ما این هجوم بدست به کارتون توجه مقابل پیشرو کارگری و محور فعالیت رهبران عملی تبدیل شده است، انتقال کارخانه‌ها بعنوان شکل منضم این "سازمان" دادن دفاع در برابر مبارزات را بیم محلیف را حرل تک محور - تک محور کید سیاست ما سطح منضم طبقه و محتضات دوران انقلابی کوشی است - فرار میدهد و در جنبش حرکت امکان غلبه بر "پراکنده" مبارزات کارگران را فراهم می‌آورد.

این است آن تفاوت اساسی بین دو حکومتی است که با گذار در وحش منی اما سیاست منضم و تک محور می‌سازد، اما ما سیاست منضم را همه ما به سیاست "گرمساده" بند در سر خود ما سالهای سخن، در بر می‌سوزد سخن ما "سیاست مبارزاتی های دولت" این چنین سرگشتگی خود را آشکار می‌سازند، در صفا ۱۲

برود آوردن در برابر آنچه که در هر فابریک میگذرد به عنوان طرفداری از "متنوع ترین اشکال"، از انجام، مرکز قدرت بافتن مبارزات کارگران در راستای منضم مناعت منضم آوردن منضم و منضم انجام منضم کارگران، سیاست منضم و منضم بلندن کارگر قرار دارد.

کمونیستها از پراکنده‌گی مبارزات عملی کارگران، از بستن اشکال مبارزاتی کارگران، به این نتیجه می‌رسند که ما به اشکال متنوع مبارزاتی، بدون در نظر گرفتن سرفروا و کارآش آن برای هدیی منضم، سر تکمین برود آوردن کمونیستها اشکال متنوع مبارزاتی را مردود نمی‌شمارند، و در هر شرایط منضم، کارگری اشکال متنوع را مجاز میدانند، اما کارگری اشکال متنوع منضمی این نیست که در هر شرایط منضم، بر شکلی از مبارزه الزاماً تاشید نشود. کمونیستها وضعیت موجود در هر فابریک منضم را مدنظر می‌گیرند. سطح مبارزات ما را می‌بندد و آگاهی کارگران هر کارخانه را مدنظر دارند. و با توجه به مجموعه شرایط موجود در هر فابریک، رهبران عملی کارگران را به مبارزات منضمات مبارزات کارگران را به پیش می‌برد، اما به در هر راستای، کمونیستها از تمامی اختلاف منضمی که در بین کارگران فابریکهای مختلف وجود دارد، به این نتیجه می‌رسند که سیاست مبارزات اشکال متنوع مبارزه در شکلی که "گرمساده" مطرح میکنند، اشکالهای گوناگون مبارزه کارگران هر فابریک را تاشید و تقویت کرد و به این ترتیب برداشتن پراکنده‌گی مبارزات طبقه کارگر افزود. اختلاف منضم مبارزاتی در بین کارگران فابریکهای مختلف، فقط نقطه آغازین حرکت را برای رهبران عملی هر فابریک منضم میکنند و به جبری مستحضر آن، یعنی اشکال ما، سیاست منضم را با توجه به سیر تحولات جامعه و منافع جنبش کارگر (کل طبقه) استوار می‌سازد و به مبارزات اشکال متنوع مبارزاتی در هر فابریک رهبران عملی ما توجه به شرایط منضم هر فابریک حرکت را آغاز میکنند و کمونیستها می‌کوشند از طریق دخالت انقلابی در مبارزات کارگران به مبارزات منضم و راستای منضم بختند.

کمونیستها، با توجه به شرایط منضم جامعه بر شکل منضمی از مبارزه که میتواند مبارزات گوناگون و متنوع کارگران را در یک راستا، در راستای پیروزی منضم هد فرار دهد، تا کید میکنند بدون آنکه الزاماً خود را مقید به تنها یک شکل از مبارزه کنند. کمونیستها در بین اشکال متنوع

دو ناکت در حمایت با . . .

وقتی که پای سمدان مسائل عام و مجرد میازده طبقاتی کارگران میگذرانند، آنچنان در بیان انتحام و یکپارچگی مبارزات کارگران قلم فرمائی میکنند که ترنا آگاهی نسبت به مواضع ایشان را میبوت میسازد. تشریح کمونیست میفرماید: "اما حرکت انفرادی وسیع و یکپارچه در سطح طبقه کارگر قضا میثواند با سیاست تعطیل کارخانه تا مقابله کند و دست را بیدار نشینی ناگزیر کند. در رابطه ای که این بلوک بین "حرکت انفرادی وسیع و یکپارچه" با عقب نشینی دولت ایجاد میکند. در گذریم. این رابطه ناشی از مسائل ای زمره میثانی این بلوک میثا شده که به او اجازه میدهد تا مورد و خود شما و سرگونی رژیم و انقلاب که بطور عام مطرح میسازد همین مبارزات کارگران و این سرگونی و انقلاب رابطه ای برقرار کند. در جستجوی برای این بلوک مبارزات کارگران یک چیراست و انقلاب چیز دیگری اما از این بحث که گذریم. جالب است آنجا که این دو سال پسهای غرور بورژوا که رهنمود میسازد تسلط بر اکثریتی مبارزات کارگران و فقدان تشکیلی سازمانی، بیباک است نمیتواند حتی بر تکیه مشخص از انکال مبارزات تا کند و تنها به مدت سال جنس خود محدودی نشده کارگر، طرفدار منوع ترین انکال مبارزه بود. حال در سطح عام و تحریردی ایائی ندارد که بگویند "حرکت اعتراضی وسیع و یکپارچه در سطح طبقه کارگر" قطعاً میتواند در مقابل سیاست تعطیل کارخانه ها موفقیت آسرا ندهد. برای آبا "گروه له و سپند" معنی "پراکندگی مبارزات" و "حرکت وسیع و یکپارچه در سطح طبقه کارگر" را درک میکنند!

ما این وجود، اما این حرکت وسیع و یکپارچه در سطح طبقه کارگر چیست؟ چگونه با اقدام طریق حاصل میشود؟ چه ارتباطی بین مبارزه کارگران در حرفه بر یک ما این "حرکت وسیع و یکپارچه" موهومی وجود دارد؟ هیچ. "گروه له و سپند" هیچ پاسخ مشخصی به این مسائل نمیدهند. هیچ حلقه رابطه ای بین "متنوع ترین انکال مبارزاتی" که بین بلوک طرفدارش هستند "حرکت وسیع و یکپارچه" کارگران وجود ندارد. وقتی در برد این بلوک هیچ رابطه ای بین انکال مبارزاتی در عرصه های مختلف میسازد، نیازی وجود ندارد. پس حرکت تعطیل کارخانه ها، مبارزات مبارزه سرگونی و سرگونی مبارزاتی حکومت پیوندی برقرار نمی

بود. که این عرصه ها مسائل ارتکد میسر برسی میسوزند و "تشریح انفرادی" چیزی تا کتکهای را بیدار میسازد و میگوید که هرگز ای راسای خود را دارد. بیگونی برآیند آنها یک هدف، یک وظیفه اساسی دورا کنونی، انقلاب را نشان میدهد. در مورد یک ساله مشخص، ساله مقابل ما "سیاست سیکار سازی های دولت" هم نمیتواند انتظار چندانی داشت که این بلوک مسلط دنیا له رویا زمین خود محدودی نشاند.

"گروه له و سپند" در مقابل مشخص مبارزات آنجا که پای عمل و تاکتیک مشخص میسازد، سیاست طرفدار همه گیر هستند. یعنی سرود چیزی ندارند. مسئله اند و در سطح این انکال در حکومت رهنمود میسازد. راجع میسوزند و در مقابل، آنجا که مبارزات عام مطرح است، ایشان که خود را مطرح میسازد، تاکتیک مشخص نمیسازند و فقط بیان محدودات را بینه میکنند. طالب انکال و یکپارچگی مبارزه کارگران اند. آنها البته بطور کلی.

تشریح کمونیست بر این امر ضرورت چنین مبارزه محدود و مشخصی میسوزد: "باید یک اعتراض وسیع در سطح طبقه کارگر که هدفش را از دستور خارج کردن این سیاست دولت قرار داده باشد. . . تعیین اصلی برای موفقیت در جلوگیری از تعطیل واحدهای همین تیر همان شکل گیری وجود یک جریان اتمام و اعتراض وسیع کارگری علیه این سیاست بطور کلی است." ساله نیز در همین حالت، "گروه له و سپند" "بطور کلی" خواهان "اقدام و اعتراض وسیع کارگری" و انکال طبقه کارگر در دو بطور مشخص - خواسته و نیای خواته - طالب پراکندگی و از هم گسیختگی کارگران! وجه تما بر بین کمونیستها و برسانسیای حرد بورژوا بر در هم میسازد است. اولی بطور مشخص خواهان اقدام و اعتراض وسیع و مسجم کارگری است و برای اس بطور تاکتیکهای مشخص را مطرح میکند و سرگونی از مبارزه که میسوزند نسبتاً به طبقه اصلی، کل انکال مبارزاتی کارگران را در یک راستای سرور میسوزند. تاکتیک میسوزد: ودومی، یعنی سوسالینتتای غرور بورژوا فقط بطور کلی خواهان اقدام و اعتراض وسیع کارگران اند. برای ایشان عرصه های مشخص مبارزه طبقاتی پرولتاریا بدون پیوند سیکار سازی و هم گسیخته است و درک غرور مشخص نیز نتوانی نمیتواند که برکدام سیکار از انکال مبارزه که بیشتر بر سطح جنبش طبقه کارگر - و نه حرفه بر یک مشخص - باشد تا که میسوزد.

تسلیم سرمایه داری

دفتر روزافزون نودده

تا لیا به بیانی بالاتر ارفقت جسماری حرداری میسوزد. این مبارزات وسیع بخش ارتکازهای اساسی را خود بر عهده دارند و نسبت اعظم کالای خریداری شده را در داخل کشور به تجارت بازرگانان تحویل میسوزند. در حالی که به تدریج خود را به دوران وابسته دریم گذراندند و کلکهای چور اساده های منعی، شوزهای اصناف و سادسها فعالیت میکنند و از حمایت بی دروغ دولت برخوردارند، کالا را با گذراندن از مراحل کوناگون به گردش در میسوزند.

بر چنین زمینه ایست که بخش خدمات و سبزه تجارت و روز بروز متورم تر میشود. به طوریکه "ارزش افزوده" این بخش فی المثل در سال ۶۲ به ۲۸۰۰۰۰۰۰ سلیا تومان بالغ میسوزد و در مقابل کارگران و زحمتکاران روز بروز با فقر و فلاکت بیشتری دست بگریبان میسوزند. سطح زندگی در کسان مدام پایین میسوزد و در حالیکه هر سه مصرف یک خانوار شهری در سال ۶۱، ۸۰۰/۰۰۰ (هشتصد هزار ریال) و در سال ۶۲ ۱/۱۰۰/۰۰۰ (یک میلیون و صد هزار ریال) برآورد میشود. از درآمد های روزانه ۶ تومانی صحبت میسوزد. بنا به هزینه مصرف سالانه یک خانوار شهری در سالهای ۶۱ و ۶۲ که در طول یکسال ۳۰۰/۰۰۰ (سیصد هزار ریال) افزایش نشان میدهد، با توجه به اینکه سطح متوسط زندگی ارتقا نیافته است، بیباک این اظهار است که تنها طی سال ۶۱ تا ۶۲، قدرت خرید واقعی توده های مردم ۳۸ درصد کاهش یافته است. تمامی این آمار دال بر این امر است که درآمد بخش کشوری از توده های مردم، چه مابده عظمی حتی با آن سطح درآمدی دارد که برای تامین ما محتاج اونسه و استدائسی زندگی آنان لازم است.

سطح بسیار بالاد درآمد مردم، چه با زتاباضاقت شرتتای جامعه در دست عدد قلیلی از افرادی میسوزد سرمایه داران و همانا شکل ترین بخش آن است. بخش عقب مانده بورژوازی، معاشک ناشی از نظام سرمایه داری را که توده های مردم با آن دست بگریبانند، به رسانا تر ترین تکی تند کرده و جز جیاول بیشتر ارمائی نداشته است.

\*\*\*



# طی دو عملیات تهاجمی

## بایگاههای "مام کاوی" و "مدرزه" در منطقه سردشت

### توسط پیشمرگان فدائی دوهم کویله شد

پیشمرگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران روز ۲۱/شهرماه/۱۳۶۵ طی یک جوله سیاسی نظامی در مناطق پشت حبه نیروهای جمهوری اسلامی، موفق شدند در سنجش شبکه بایگاهی دشمن دو بایگاه سرکومگران خلق کرد را مورد تهاجم حواریه قرار داده و تلفات و خساراتی به این بایگاه ها وارد نمایند. این عملیات با دهانه ها و گنجان ۲ سیم ۶۲، رفقای فدایی، کاوه، اسکندروخی کدر دفاع از مرکز فرستنده رادیویی سازمان توسط مانه خاش و نوطندگر، مدتی - شبانی شبانه رسیدند اتمام گرفت.

ساعت هفت و نیم دقیقه بعد از شهر یکدست از رفقای پیشمرگ پس از شناسایی دقیق و استقرار در نقاط مشرف به بایگاه "مام کاوی" مام کاوی "ماکتود" آتش سوزی تکمان بایگاه عملیات خود را آغاز نمودند. پس از اولین شلیک و جهلکت رساندن تکمان بایگاه، پیشمرگان فدائی سلاح های نیمه سنگین و مسلسل تک، مزدوران مستقر در بایگاه و تاسسات و استحکامات آنرا مورد تخریب و تخریب کامل گردانیدند. دشمن که از این حرکت سرفی بای پیشمرگان دلبردها می خواستند به زحمت افتاده بود. دیوانه وار سلاحهای سنگین و بمبزه خمپاره های تاسیلا به آشنایی نقاط استقرار پیشمرگان پرداخت که علیرغم شدت گلوله باران مافوق صوتی و وقت منب پیشمرگان فدائی آسمی به آنان وارد نگردید. پیشمرگان پس از شلیک آخرین رگبار، بسرورندانه و سالم به فرارگاه خود باز گشتند.

در همین روز دسته ای دیگر از پیشمرگان فدایی، بایگاه "مدرزه" را در دو مرحله و با فاصله کمتر از یک ساعت پس از انجام تهاجم بایگاه "مام کاوی" مورد تخریب و تخریب کامل گردانیدند.

این عملیات در ساعت هشت و نیم دقیقه بعد از ظهر، با شلیک اولین موشک آر- بی - جی آغاز گردید. پیشمرگان فدایی پس از تخریب نیروهای سرکومگران و تهاجم آنرا که انتظار چنین حمله غافلگیرانه ای را نداشتند، هدف رگبار مسلسل های خود قرار دادند. مزدوران رژیم پس از نجات حراب وارد شدند. و حمله به سلاحهای سنگین و سیمه سنگین به آشنایی منطقه شناسایی و تخریب شد.

گلوله باران، فرار بایگاه توسط نیروهای سرکومگر بگوشه ای برده که برخی از کشته ها را همراه با بایگاه های دیگر، برآورد نمود و موجب تهاجم آتش مزدوران بسوی یکدیگر شد.

در ساعت هشت و نیم دقیقه، پیشمرگان فدایی با شلیک در سیم موشک آر- بی - جی در کنار مسلسل بخشی ده ششگانه تاسسات بایگاه در آتش خود قرار دادند. تخریب مجدد پیشمرگان، نیروهای سرکومگر مستقر در این بایگاه و چند سیم بایگاه اطراف را مورد تهاجم قرار دادند. بدون کد از هر طرف منطقه شناسایی هدف بود و بمباران را در نزدیکی بایگاه تهاجم کرد. تا این مورد ضمیمه خسارات عانی و مالی همراه نداشت.

پیشمرگان فدایی پس از پایان این عملیات مشهورانه از نقاط استقرارشان عقب نشینی نموده و همگی سالم به محل فرار خود بازگشتند. ارسران تلفات و خسارات وارده به بایگاههای "مام کاوی" و "مدرزه" اطلاع میدانی در دست نیست.

پیروزی و دمیدن انقلاب خلق کرد

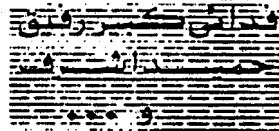
سرکومگران با دو رژیم جدید و انقلابی - سر قرار داد جمهوری دمکراتیک خلق

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران - سر قرار داد جمهوری دمکراتیک خلق

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران - سر قرار داد جمهوری دمکراتیک خلق

گره‌های فداکاری



گرفته در ظرف چند ماه است حتماً ۲۰ تن از فدائیان را به زندان برساند. اما بسیاری وگرنه های تبلیغاتی که در راه مبارزه با وارنده به سازمان راه انداخته میسر میسرود. سیاست‌های و وحشت از عدالتان، اس‌اس‌های دردم گویی اپورتونسم، برنام‌سازهای و انزوالیسم بود. مرید هفتم شریک دیگر بریات وارنده به سازمان سان دادنا زمانی که طی مبارزات به گریز و حواسی خود که به درین جنگلهای سیاه گل افشاند شده بود. و با اتحادی انقلابی و مارکسیستی دریا چ به نزارهای جنبش انقلابی اعتماد کارگران و زحمتکشان را جلب کرده باشد. به رغم ضربات هر چند خونی از سوی رژیمهای ددمنشانه سرما به داری هرگز نتوانی بویا و رزمندگان در دند به سرخواستند.

سازمانی که بر اساس مارکسیسم لنینیسم بنیان مانده باشد سیستم تشکیلاتی آن بر بنیان کاری شدید، انضباط پولادین، انضباط در قیافه متقابل و خرد جمعی بنا شده است. حتماً سازمانی که کارخواهد بود و هر بر داری را می‌تواند سرعت با زبانی نموده و سایر راه‌های نظمی را نتواند بپندد. همچنان نگردد. رفیقان همه که در منطق رستاخیز سیاه گل سرنگ از نشاط میسر برتر کرده اند. به همدست دانت بی ابرمات سال ۱۳۵۰ تا اقتصاد را به اصول لنینی سازمانی که از به یک سازمان رو نموده اند که راست، با عزمی بر لادیس بدتر می‌توانی تشکیلات ت پرداخت، او که به نفس و امید سازمان جریکهای فدائی خلق ایران در دنا و محسن انقلابی آگاهی کامل دانت و صورت داد که کاری زبانی رژیم به سازمان را با معارضه لنینی درک میسرود. ما توجه به شرایط در کانتوری حاکم بر ایران اصولی را به کار برد که اصول نظمی تا بدتر هر سازمان مستحکم، محکم، منضبط و آگاهانه کار می‌تواند. همچنان آگاهی سوسیالیستی، سیاسی بکاری و اقتصاد هم به خط میانی سازمان را با سازمان داد که به کار می‌تواند به سازمانی که در لنینیست و اشتراکات در لنینیست، ما در برتری سازمان کارگران جنگیان تا کسب عدالت می‌باشد. سوسیالیسم است. منتها دمسره همس‌امریل بود که به سر راه میانی از سازمان کارگران

با مدل با جبهه در ده مستحکم و انضباط در مقابل جبهه لنینیسم به سازمان به سر می‌خواست. از هرگز در طرفد و تعقیب گناهی که در ما را نفس های اساسی میسرود به خود در آسیداد و یک آن از با لاین تشکیلات فاعل میماند.

از خصوصیات انقلابی عمده تحلیل منحنی از شرایط منحنی بود و بدون هیچگونه گزاره سراسری با سیر و وظایف یک سازمان مبتنی بر منجم، منضبط، غیر علنی و آگاهانه کار را انضباط در قیافه متقابل و خرد جمعی بنیاد است و سیر و خط اپورتونست هاست و لنینیستی را رنگارنگ به طریقی سول چست که تا بر سازمان لنینیست بر سر راه میماند. بر سازمان درک لنینی از آسیداد سازمانی مستحکم، منجم، منضبط و آگاهانه کار می‌توان از سیر و وظایف یک سازمان مبتنی بر رهبری جنبش کمونیستی و کارگری و تحقیق سوسیالیسم سخن گفت و خط اپورتونستی از زمینه‌ها و از روشنگران گزاره گویی اپورتونست و لبرال جدا نمود.

ما سوسیالیسم دیکراتیک مارکسیست لنینیستی یک کل هم به سر راه می‌باشد است که وحدت اپورتونزیسم، وحدت تشکیلات، وحدت اراده و عمل در سازمانی که از تشکیلات دا و طلبان انقلابیون کمونیست تشکیل شده اند را میسرود. ما از این رو درک دیا لکتیکی دو جبهه ما سوسیالیسم دیکراتیک گمان است را دارد. درک انحرافی از آسیداد دو جبهه نه تنها با اعتدال آنرا از خط لنینی سازمانی بلکه در سازمانی که در اپورتونستی نیز خواهد شد.

ما سوسیالیسم با مرکزیت برای تشکیلات به ویژه تشکیلات کمونیستی نه جریک‌های قهرآمیز سازمان به داری و بریاتی جامع سوسیالیستی را هدف برار داده است یک امر حیاتی است. و در سازمانی لنینیستی برای تضمین اینکه روشهای اتحاد نه به سر راه اصول خرد جمعی با اعتدال آرزوست. ما سوسیالیسم دیکراتیک که اقتصاد رفیقانه متقابل تجلی آن در سازمانی است که کمونیستی است یک گام رنده‌اش است که سازمان را قادر می‌سازد به روشنی و تا تشکیلاتی صحیح را برگزید. وحدت اراده و وحدت عمل را از طریق وحدت انقلابی سازمانی را که بر بنیان لنینیست می‌باشد اگر راستی از کاتک‌ها ... الی ... در کانتوری از هم کسب می‌تواند. در سازمانی که در اپورتونست ها در سازمانی که در عرصه تشکیلات سازمانی که در سوسیالیسم دیکراتیک سازمانی که در

درمان نخواهد بود. لبرال‌یسم، همانا سوسلیسم مرکزیت و خود سری، جریک‌های سازمانی که در سوسیالیسم دیکراتیک خواهد بود. و حتماً اثر برای حفظ و بنای سازمان رو نموده و طبقه کارگر با اعتدال کامل به اصول لنینیستی سازمانی، هرگز به سوسیالیسم لبرالیسم تن در دنا و برتری طلبان. همواره از با لاین سازمانی غفلت نورید. زیرا او خود مظهر اعتماد در سازمانی که خرد جمعی و نظم و انضباط پولادین برپا می‌شود.

یادواره شهدای سازمان

تلفیق همین جنبش کارگری تا جنبش کمونیستی است که رفقای ما قهرمانان به بی‌غایتی و بی‌نیازی و بی‌انگیزگی در راه آزادی و ارتجاع و اپورتونسم بیکران حرب شده‌اند دست زدند. بگوئیم کمونیست وار اهداف رفقایمان را بی‌کیفریم. با در قیافه و جانباخته فدائی رفقایمان:

- |                |              |
|----------------|--------------|
| غیرانی         | کاظم         |
| خسروی اردبیلی  | محمدعلی      |
| راست خدیو      | بهمن         |
| آل آغا         | نیستون       |
| مهدوی          | کلیرخ        |
| پورنغمه        | نا دملی      |
| غازاریان       | ما رشیک      |
| روحی آهنگران   | نزهت السادات |
| پورنغمه        | غلامعلی      |
| عظیمی بلوریان  | محمود        |
| زارع کابری     | بداله        |
| دکتر نریمیسا   | دکتر نریمیسا |
| قصاب آزاد      | محمدرفا      |
| الماسی         | علیرضا       |
| فرزانه         | مصعود        |
| حقنوار         | محمدحسین     |
| قانع خشک بجاری | بیوف         |
| لایق مهرانی    | غلامرضا      |
| خرم            | طاهره        |
| حبیبتی ابرده   | مسگر         |
| فوقانی         | محمد مهدی    |
| خراب پور       | غلامعلی      |
| وزیری          | علی اکبر     |
| حبیبی          | فاطمه        |
| بشری           | محمدرفا      |
| آریان          | محمد         |
| اسری دوان      | سیراد        |
| سیرانسادات     | سیرانسادات   |
| احمد هاشمی     | سارده        |
| سولگی          | سپاس         |
| حبیبی          | علی          |



**یادداشت‌های سیاسی**

سازمان متاسفانه در اجرای برنامه‌های خود در عرصه اقتصادی دچار مشکلاتی شده و نتایج آن در هر دو بخش تولید و توزیع، به قدری ضعیف شده که اختلاف این دو جناح، در کسب و کارها و توزیع به صورت نامتوازن و نامناسب به نظر می‌آید. در هر دو بخش تولید و توزیع، مشکلاتی وجود دارد که باید در این زمینه اصلاحات اساسی صورت گیرد.

این دو جناح را می‌توان به دو گروه کلی تقسیم کرد: جناح اول، متشکل از افرادی است که عمدتاً در عرصه توزیع فعالیت دارند و جناح دوم، متشکل از افرادی است که عمدتاً در عرصه تولید فعالیت دارند.

در عرصه توزیع، مشکلاتی وجود دارد که باید در این زمینه اصلاحات اساسی صورت گیرد. یکی از مشکلات اصلی، ناهماهنگی در توزیع است. توزیع به گونه‌ای صورت می‌گیرد که نیازهای مردم را برطرف نمی‌کند و باعث ایجاد مشکلاتی در عرصه معیشت می‌شود.

در عرصه تولید، مشکلاتی وجود دارد که باید در این زمینه اصلاحات اساسی صورت گیرد. یکی از مشکلات اصلی، کمبود سرمایه است. سرمایه‌های موجود در دست افراد و نهادها، به گونه‌ای توزیع شده که بخش عمده آن در عرصه‌های غیر تولیدی صرف می‌شود.

برای حل این مشکلات، باید اقدامات اساسی صورت گیرد. در عرصه توزیع، باید توزیع عادلانه‌تری انجام گیرد و در عرصه تولید، باید سرمایه‌های بیشتری به بخش تولید تزریق شود.

این دو جناح باید در یک راستا فعالیت کنند و با همکاری یکدیگر، مشکلات اقتصادی را حل کنند. در این زمینه، دولت باید نقش مهمی ایفا کند و با اتخاذ تدابیر مناسب، زمینه‌ساز اصلاحات اساسی شود.

در نهایت، باید گفت که مشکلات اقتصادی، ریشه در ساختار اجتماعی و سیاسی دارد. برای حل این مشکلات، باید به ریشه‌های این مشکلات توجه کرد و اقدامات اساسی در این زمینه صورت گیرد.

تدیرانی به مطالب و بحث‌ها... باید انتظار داشت که در این عرصه، تغییرات اساسی ایجاد شود. در هر دو بخش، باید اقدامات اساسی صورت گیرد تا بتوان به اهداف مورد نظر رسید.

در عرصه توزیع، باید توزیع عادلانه‌تری انجام گیرد و در عرصه تولید، باید سرمایه‌های بیشتری به بخش تولید تزریق شود. این دو اقدام، شرط لازم برای حل مشکلات اقتصادی است.

دولت باید با اتخاذ تدابیر مناسب، زمینه‌ساز این اصلاحات شود. در این زمینه، باید قوانین مناسب وضع شود و از اجرای آن‌ها اطمینان حاصل شود.

در نهایت، باید گفت که مشکلات اقتصادی، ریشه در ساختار اجتماعی و سیاسی دارد. برای حل این مشکلات، باید به ریشه‌های این مشکلات توجه کرد و اقدامات اساسی در این زمینه صورت گیرد.

تخصص سازمان به مسائل مستند دارد. این ساختار در درجه اول در کارکنان، برضوب رسیدن می‌تواند به روشنگری در نظام سیاسی، از سر آمدن مردم، بالنده، بهتری سر خورده‌اند. پس آنکه در یک نقطه اشتراک نظروطنیل دارند و آن دشمنی با کارگران و زحمتکشان، سرکوب مبارزات و اعتراضات آنها و بیقراری جوسرکوب و خفقان و استفاده از جنگ پنهانی علیه ملی جهت سرپوش گذاشتن به بروضعیت و خیم اقتصادی و توسعه، سرکوب و کشتار میباشند. هیچک قادر به حذف دیگری از قدرت نیست.

اختلافات اس در جناح دراماس بر سر نخرده‌های و مسائل توده‌ها و چگونگی ستادوم نرسدن سرمد اسما و حفظ نظام سرمایه داری است. از سنادها و مذهب پنهانی به ما مسل خمینی و فریب را الوهیت بخشدین بر اجسین عارت و جی‌اول است.

اما بحران انقلابی حاکم بر جناح معبر غلبت تصور و جناح بورژوازی حاکم، یک راه حل انقلابی را می طلبد. تنها انقلاب است که میتواند بر سران کونی فاشق آید.

**۲- اتکاء به خدا یا بددلاریهای نفتی**

خمینی طی سخنانی در جمع فرماندندان ارتش و سپاه، با طرح باره‌ای از مشکلات که رژیم با آن دست به‌گریبان است، پیغامی نا توانی حکومت در مقابل سلفانی که از کاهن نسبت به‌تبدیل آمده است، اقرار نمود.

خمینی گفت: "فکر نمی‌کنم که اتکاء به ما برای خدا برای ما میتواند یک کارکشایی بکند. اتکاء به خدا بکنید، اگر یک روز اتکاء خودمان را از خدا برداشتم، و روی دست گذاشتم، با روی صلاح گذاشتم، بعد آنکه گذارم روزی است که ما رو به‌سخت خواهیم رفت."

اتکاء به خدا را می‌تواند به معنی جهت‌گیزی در فروش و سرمایه‌گذاری در عرصه‌های مختلف است. آن برداشت می‌شود، باره وحشی "رهبر" برای مقابله با مشکلات است. اما آیا اتکاء به خدا میتواند به یک تریسین دلارهای نفتی سوددهی عاقتصادی باشد؟ حتمی رمانی برای مقابله با مشکلات توده‌ها می‌تواند اقتصاد دمال حرارت، در سازمان این سخنان، خمینی فریبکارانه بود. امروز خمینی می‌تواند بگوید که اتکاء به خدا، به معنی اتکاء، سود بخندن است. اما بنای ایران سیمال و در ما بدکی است. اگر میسر دهد، ما کارانه خمینی، در آنرا مطالبات کسریه بوده‌ها بود. گاهی دانه‌های در صفحه ۱۰



# یادداشت‌های سیاسی

## ۱- تضادهای درونی هیئت حاکمه عربان ترمیشود

«حجت الاسلام والسلمین جناب آقای هاشمی رفسنجانی در ماه جمعه مطبوعاتی روز سه شنبه ۶۵/۳/۲۰ فرمودند: (ا لان دوجناح نستبنا قوی در کشور ما هستند که اینها بر سر نحوه اداره و نقش دولت و بخش عمومی در آن مختلف اختلاف دارند که این دو جریستان در مجلس هم هست، در دولت هم هستند، در مجلس علماء و طلبه ها هم هستند، بین دانشکده ها و کل جا همه این دو طرز تفکر وجود دارد، همچنین تفکرها در تشکیل دولت و تعیین وزیر و در مسئولیتها هستند بر خورد میکنند...)» تا این روزها همیشه به سخنان رفسنجانی در شمار جمعا اشاره کرده که گفته بود: «در حال حاضر جا همه و حتی بین مسئولین، دو طرز تفکر وجود دارد، دسته اول معتقدند که ما به دست مردم را در امور با رکذاکت و دست دیگر مسئولین که در حال حاضر به دستها زانو انجام کارها را گذاشت، بیا بنظر دولت را بر او موثر پذیرفت. روزها هر سالت پستی از دیگران سخنان رفسنجانی مینویسد: «این تعریف برای در جناح در فرموده های در صفحه ۱۵

اختلافات و کمین های درونی هیئت حاکمه همراه با تمعق و تشدید بحران اقتصادی، بطوردم افزونی شدت و حسدیت می بایند و یگانه ای کم سابقه عربان و آشکار گشته است بطوریکه هر یک اردو جناح اصلی حاکمیت، علنا در مقابل یکدیگر صفه آراپی کرده و به نقد مواضع و دیدگاههای جناح رقیب پرداخته اند.

روزنامه رسالت آراکان جناح بورژوازی تجاری و نمائنده سرمایه معصب مانده و بیشتر آزادی فعالیت بخش خصوصی، طبقه مقالاتی با عنوان «حماها و دوجناح» که در روزهای سه شنبه دهم، چهارشنبه دهم و شنبه چهاردهم شهر ما به چاپ رسانده است، در برخورد به جناح رقیب، به سخنان رفسنجانی در ماه جمعه روز ۶۵/۳/۲۰ اشاره کرده و استدلال وی را در مورد اختلافات و مواجبه جناحها با ملیت هیئت حاکمه ما دانستند و در نتیجه سعی میکنند این اختلافات را صرفا رویبناشی و خارج از حیطه مباحث طبقاتی آنان قلمداد کنند و آنرا در دو نرسه نگریش بر دانه با از اجتم جا برسد، این روزها به مینویسد:



### یادواره

### شهادت سازمان

شیرانه همچون ماههای دیگر سال شا هدفدار کاری و ارکان کذبتکی فدائیانسی است که در راه تحقق آرمان والای کارگران که همانا سوسیالیسم و رفاهاتی بشریت هستند میباشد از بیدل جان خویش در بیخ بگردانند رفقای کمونیستی که سیرد علیه رژیم شاه و رژیم جمهوری اسلامی را در تمامی عرصه ها چه در کارخانه ها و در نشیوردهای خیابانی و چه زندانها و شکنجهگاهها دلاورا به پیش بردند و با وفاداری مطلق خویش به سوسیالیسم دینس راه زانو در آوردند. اثر در سرمایه برسد در هفتم شبر ۱۳۵۵ دانشان دلسرور احمس همچون حصدانرف و آراس ما مسکار در سلحانه حماسی خود غنمت و توان بر رسیده

پیشا تک بهولتا را یعنی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران را به رژیم شاه ثابت نمودند و آینه مرکب را را ترسیم کردند در ۲۲ شهر ما ۱۳۲۵ کارگران به سبزه کارگران صنعت نفت و در ۲۰ شبر ۱۳۳۱ توده های کارگران و حمتکش بها خاسته ایران مسما اعتما با ت و قوام توده ای خود رژیم شاه را تا سر حد برنگوشی و نا بودی پیش بردند جهت در صفحه ۱۲

**صدای فدائی**  
۸/۵ شبروی موج کوتاه  
ردیف ۷۵ متر  
۶ صبح و ۱۲/۵ روزمید

**گرامی یاد باد**  
**فدائی کبیر رفیق**  
**محمد اشرف**  
**مهندسین و ماسا**

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران بطول حیات خویش و بر ما وجود در راه نفسی زمان والای کارگران "سوسیالیسم" ضربات ساری را متحمل شده و رفقای ساری را که با نهایت استواری در دفاع از این آرمان زبندل جان در بیخ سوز زنده انداردست داده است، یکی از این رفقای سی نظیر رفیق محمد اشرف میباشد.

پس از ضربات سالهای ۱۳۴۹ و ۱۳۵۰ زبندلنن طبقاتی فربدائی به بزرگی و خست سربه هفتم شهر ما ۱۳۵۵ سازمان با واردنسا و زده است.

در روز هفتم شهر ما ۱۳۵۵ توده های کارگران و حمتکش شهر ما را در جبرسی نه سران سرت زده شاه دیکه ای را در آتیر ترسیس حردهای حماسی چریکهای فدائی خلق علیه حله دد مستانه رژیم سبکار ما برسد.

در آن روز فراموش کنده ای با زده چریک شائی، مبارزه کا و هشت زجو، با زده اسان نراز سوبین رفیق:

محمد حسن حقنواز - یوسف فاتح جنگ سجاری  
ناظره غرم / غلامرضا ذبیق شهر با سی  
سکر حسی امیرده - محمد مهدی موقاتی  
سملی حراط پور - علی اکبر زوری  
ناشه حسینی - محمد رضا شربی  
محمد اشرف پس از سبلاکت

با شدن تعدادی مزدور و نا بود کردن شمسی سا و حدارک سازمانی س را فرار و با اسان به سوزی نهائی کارگران و کمونسیم جان برار و دیده آرمان نشان کردند.

اگر چه رژیم شاهنی معصب و مرانسیا در صفحه ۱۲

**عملیات تهاجمی**  
**پیشمرگان فدائی**  
**در منطقه سردشت**  
در صفحه ۱۲

## سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق